

# عزادان

قدیم

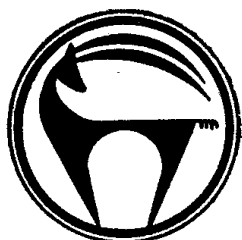


انتشارات  
بنگاه ترجمه و نشر کتاب

۴۳۵

مجموعه آئینه ایران

۲



بنگاه ترجمه و نشر کتاب

## تصاویر از : رامونا دارین

از این کتاب پتجهزار نسخه روی کاغذ اِلا  
در چاپخانه زیبا به طبع رسید  
حق طبع مخصوص بنگاه ترجمه و نشر کتاب است

کتابخانه الکترونیکی امید ایران

مجموعه آینه ایران

شماره ۲

۵۹۶۰

~~۵۸۱۶۰~~

۸۵۶۲

۴۵۵۰۵۶۳

۴۰/۲۰

گفتگوی خانوادگی درباره

## تهران قدیم

نوشته :

سعید نفیسی



بنگاه ترجمه و نشر کتاب

تهران ، ۱۳۵۳

غرض از انتشار مجموعه آیینۀ ایران این است که دانش آموزان و خوانندگان جوان سرزمین ایران را بهتر بشناسند و از شیوۀ زندگی مردم آن در نقاط مختلف بیشتر آگاه شوند. برای آنکه وصف شهرها و روستاها و راه و رسم زندگی در آنها خشک و ملال‌آور نباشد، مطالب در جامۀ گفتگو و داستان آمده. اما گرچه صورت مطالب داستانی است، مضمون آنها برپایۀ اطلاعات دقیق و درست قرار دارد و نتیجۀ پژوهش و جستجوی نویسندگان است.

امید است با انتشار این مجموعه خوانندگان هم از تنوعی که در زندگی و آداب مردم ایران است آگاه شوند و هم پیوستگی و وحدتی را که در این تنوع است دریابند و ضمناً از خواندن اثری شیرین برخوردار شوند.

۱. ی.

## فهرست مندرجات

صفحه

موضوع

متن گفتگوی خانوادگی آقای نیک سرشت با آقای دستان  
درباره تهران قدیم .

۵۲-۱۱

تصاویر :

- ۱ - قلعه دماوند .
- ۲ - شاه عبدالعظیم .
- ۳ - تهران در زمان صفویه .
- ۴ - بازار تهران .
- ۵ - مسجد شاه .
- ۶ - مسجد سپهسالار .
- ۷ - برج طغرل .
- ۸ - شمس‌العماره .
- ۹ - تخت مرمر .
- ۱۰ - سر درباغ ملی (میدان مشق قدیم) نقاره خانه .
- ۱۱ - یکی از سقا‌های دوره گرد تهران قدیم .

ساعت چهار و نیم يك روز هفته آقای نيك سرشت با آقای  
دستان دیبر دیبرستانها که در راه به او برخوردده است به خانه خود  
برمی گردد . ناهید همسرش در اتاق پذیرائی پای رادیو نشسته و چیز  
می بافد . بهرام پسر اول با خواهرش فرشته و برادر كوچك بهمن در  
حیاط بازی می کنند .

نيك سرشت و دستان باهم وارد اتاق پذیرائی می شوند .  
نيك سرشت . - ناهید جان سلام عليكم . در راه به آقای دستان  
برخوردم که از دیبرستان بیرون می آمد . يك ماه می شد که این دوست  
عزیز دوره مدرسه را ندیده بودم . به اصرار ایشان را راضی کردم  
بیایند یکی دو ساعت باهم باشیم و از خستگی کار روزانه بیرون بیاییم .  
تو هم اول دستور چای برای ما بده و بقیه پذیرائی از آقای دستان را  
به عهده خودت می گذارم .

ناهید . - البته بروی چشم . با صدای بلند: حسینقلی! حسینقلی!  
يك چای خوب برای آقای دستان و آقا و من و بچه ها زود درست  
کن ، بچه ها را هم صدا کن بیایند پیش ما آقای دستان مدتیست آنها  
را ندیده اند .

خوب آقای دستان مدتی بود که دیگر ما را سرافراز  
نمی‌کردید؟

دستان. - خانم می‌دانید من تقصیر ندارم در دبیرستان گرفتار  
امتحانات آخر سال هستم و روز که به آخر می‌رسد دیگر رمق هیچ  
کار برایم باقی نمی‌ماند و گرنه چطور ممکن است من شماها را فراموش  
کنم.

بچه‌ها هر سه وارد اطاق می‌شوند. (بهرام سیزده ساله، فرشته  
یازده ساله، و بهمن نه ساله است) بهرام کاغذی در دست دارد و به  
پدرش می‌دهد و می‌گوید: پدر جان! این نامه را همین الان نامه‌رسان  
آورد. از مهر پست‌خانه پیدا است که از شیراز آمده بالای پاکت اسم  
تهران را با طای عربی نوشته این درست است یا اینکه با تای دو نقطه  
باید بنویسیم؟

پدر. - والله به نظرم هر دو درست باشد. پیش ازین‌ها با طای  
عربی می‌نوشتند و حالا بیشتر با «ت» نقطه‌دار می‌نویسند ولی بعضی  
که از قدیم عادت کرده‌اند به همان عادت سابق می‌نویسند، آقای دستان  
خیلی بهتر از من در این مورد اطلاع دارند.

دستان. - بله بهرام جان آخر شما می‌دانید که پیش ازین زبانی  
که ما حالا حرف می‌زنیم و می‌نویسیم در دوره‌های پیش از اسلام  
زبانهای دیگر در ایران بوده که زبان امروز آخرین مرحله آنست.  
در قدیمترین زبانهای ایرانی که اثری از آنها برای ما باقی مانده  
مخصوصاً در زبان اوستا که کتاب اوستا را با آن نوشته‌اند و به همین  
جهت به آن زبان اوستائی می‌گویند و در زبان پارسی باستان یا فرس  
قدیم که زبان دوره هخامنشی باشد دو حروف بوده که در زبان امروز  
دیگر نیست یکی ثای سه نقطه مثل ثای عربی و به همین جهت کیومرث  
و تهمورث را با آن می‌نویسند و یکی تای غلیظ مثل طای عربی که





قلهٔ دماوند  
کتابخانه

در نامهای شخصی یا جغرافیائی قدیم وجود دارد . اما تلفظ آنها تغییر کرده مثل همین نام طهمورث و نام طوس و طهماسب و نام آبادیهای چند مثل طبرستان ، طالقان ، طبس ، طالش . این جاها وقتی آباد شده که آن زبانها را حرف می زده اند و نام اینها را به همان زبانها گذاشته اند .  
بهمین . - آقای دستان این جاها کی آباد شده ؟

دستان . - متأسفانه ما درست تاریخ آنها را نمی دانیم . پدران ما هفت هزار سال پیش پا به تمدن گذاشته اند و از آسیای مرکزی به ایران امروز آمده اند و آثاری که از آبادیهای قدیم ایران پیدا کرده اند از هزاره دوم پیش از میلاد مسیح (ع) یعنی از چهار هزار سال پیش است .

ناهید . - آقای دستان من شنیده ام که در اطراف اصفهان يك آبادی کوچکی هست که نام آن هم تهرانست .  
دستان . - بله خانم جان! آبادی کوچکی است در ناحیه کرونند بیرون اصفهان .

\*\*\*

درین میان حسینقلی با سینی چائی وارد میشود و در ضمن آنکه استکان را اول پیش آقای دستان می برد می گوید: تهرون اصفهان را می فرمائین ؟ بله قربان من خودم اهل آنجا هستم . اگر بدانید چه جای باصفائیست و چقدر به آدم آنجا خوش می گذرد اما جسارت نباشد این که می گویند اینجا تهرونه قر فراوونه آن تهرون ما فقیر بیچاره ها نیست زبونم لال همین تهرون خودتونه !

ناهید . - باریک الله حسینقلی خوب شد یادم آوردی اصفهانی هستی ، برو آن جعبه گز را از اطاق ناهارخوری بردار بیار تا آقای دستان بیاد اصفهانتان دهندشان را شیرین بکنند .

بهرام . - پدر جان چطور می شود که نام دو آبادی یکی این جا

و یکی در اطراف اصفهان یکی باشد؟

پدر . - عزیزم منحصر به تهران نیست آبادیهای دیگری هم در ایران ما هست که يك اسم دارند. مثلاً يك خرقان در نزدیکی قزوین هست و يك خرقان نزدیک بسطام و یکی نزدیک همدان . بجز کاشان خودمان يك کاشان هم در آسیای مرکزی هست و بجز آمل مازندران يك آمل هم در آسیای مرکزی بوده که حالا به آن «چهارجوی» می گویند زیرا این شهرها را هم ایرانیان ساخته اند .

پدر . - آقای دستان به عقیده شما معنی کلمه تهران چیست ؟  
دستان . - والله درین باره عقاید مختلف اظهار کرده اند که هیچ کدام به نظر من اساسی ندارد . در کتابهای قدیم تهران را به فتح تا یعنی تهران ضبط کرده اند و ترکها هم هنوز این کلمه را تهران تلفظ می کنند . می دانید که تهران در دامنه کوه توچال ساخته شده و «ته» به زبان فارسی به معنی انتهای گودال و چیز گود است و «ران» در بسیاری از جاهای ایران به معنی دامنه کوه و تپه استعمال می شود . چنانکه ناحیه ای از گیلان هم که در دامنه کوه قرار گرفته رانکوه نام دارد . به نظر من اصل کلمه همانطوریکه در کتابهای قدیم نوشته اند «ته ران» یعنی ته و انتهای دامنه کوه معنی می دهد و در زبان مردم کم کم تهران «تهران» شده است .

ناهید . - خوب آقای دستان به نظر شما آبادی تهران از چه زمانیست ؟

دستان . خانم تاریخ ساختمان آن را بهیچوجه نمی شود معین کرد اما چون شهری که تهران یکی از دههای اطراف آن بوده از زمانهای خیلی قدیم وجود داشته و یکی از قدیمترین شهرهای ایران امروز بوده می بایست تهران هم در همان زمانها و در آغاز دوره تاریخ آباد شده باشد .

پدر . - در کتابهای امروز از چه زمان اسم تهران دیده می شود ؟

دستان . - تاجائی که من اطلاع دارم اولین باری که در کتابها به اسم تهران بر می خوریم به مناسبت نام یکی از فقهای ایران ابو عبدالله محمد بن حماد الطهرانی الرازی است که چون تهرانی رازی می گفته اند و رازی یعنی اهل «ری» پیدا است که این دانشمند از همین تهران خودمان بوده و او در حدود یک هزار و یکصد سال پیش از این در گذشته است .

پدر . - عجب من تصور نمی کردم تهران سابقه هزار و دویست ساله داشته باشد !

بهمن . - باریک الله به تهران خودمان !

فرشته . - دست بزنیم برای تهران ! ...

بهرام . - خوب آقای دستان این شهر پیش ازین ها چه وضعی داشته ؟

دستان . - پیدا است که تا شهری آباد بوده تهران يك دهکده در حومه شهر بوده و چون بعدها گفته اند که هوای تهران بهتر از هوای ری بوده است پس تهران تقریباً بیلاق شهری بوده . مرکز ری همان شاه عبدالعظیم امروزیست که هوای آن گرم تر از هوای شهر است و ازین جا پیدا است که آنچه نوشته اند درست است .

پدر . - آقای دستان من درست یادم نیست که شهر ری تا کی آباد بوده ؟

دستان . - شهری را در ۷۷۴ سال پیش مغولها خراب کرده اند .  
بهرام . - این که فرمودید ۷۷۴ سال ، سابقاً هم سالها را به همین اندازه حالا حساب می کردند ؟

دستان . - در ایران ما ، دو تقویم معمول شده یکی تقویم

شمسی و يك تقویم قمری . شمسی یعنی منسوب به شمس که خورشید باشد و قمری منسوب به قمر که ماه باشد . سال شمسی عبارت است از يك دور حرکت زمین بدور کره خورشید که ۳۶۵ روز و چند ساعت می شود و سال قمری یعنی دوازده ماه قمری و هر ماه قمری يك دور حرکت ماه است به دور زمین .

بهمن . - مگر حرکت اینها کم و زیاد می شود .

ناهید . - آری عزیزم تو به دبیرستان که رفتی آنجا به تو درس خواهند داد که سالهای قمری تنها ۳۵۴ روز است و یازده روز کمتر از سالهای شمسی است .

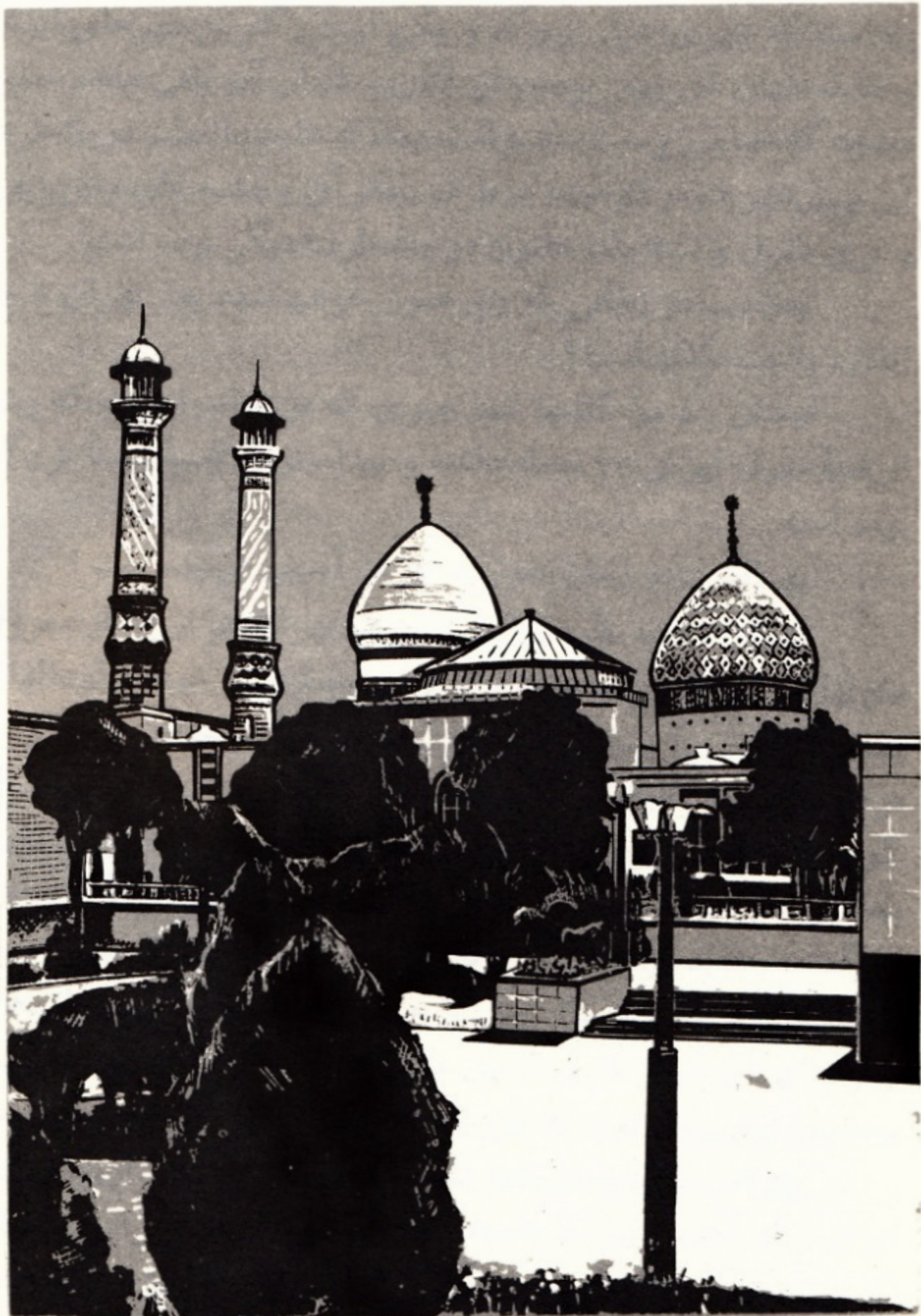
بهرام . - پس معلوم می شود که ماه زودتر دور زمین را طی می کند و زمین دیرتر دور خورشید را .

پدر . - البته به همین جهت می بینی که روزهای تقویم قمری مثل روزهای عزاداری محرم و روزهای ماه رمضان هر سال تغییر می کند مثلاً گاهی به زمستان و گاهی به تابستان می افتد .

دستان . - حالا برای اینکه برگردیم به مطالب خودمان باید بگویم که در ایران پیش از اسلام تقویم ما شمسی بود و سال ۳۶۵ روز بود که به دوازده ماه سی روزه تقسیم می کردند و پنج روز آخر که باقی می ماند دوره تعطیل هر ساله بود . در دوره اسلامی تقویم عربها که تقویم قمری بود و اسلام آن را پذیرفته بود در ایران معمول شد ولی در کارهای دولتی بیشتر تقویم شمسی را رعایت می کردند اما در تاریخ همان سالهای قمری را ضبط کرده اند . چنانکه امسال که ۱۳۴۵ شمسی است ۱۳۸۶ قمریست و سال شمسی از سال قمری ۴۱ سال عقب است .

بهرام . - آقای دستان نفرمودید که شهر ری در موقع آبادی تا چه اندازه بزرگ بود ؟





شاه عبدالعظیم

دستان . - حدود آن را نمی توانیم معلوم کنیم و تنها از قراین پیداست که شهری بسیار بزرگ و یکی از بزرگترین شهرهای ایران و شاید جهان آن روز بوده . از آثاری که از آن باقی مانده معلوم میشود که خیلی وسعت داشته است چنانکه شاه عبدالعظیم در يك طرف آن بی بی شهربانو و کوه صفه در طرف دیگر آن و چشمه علی و ابن بابویه و برج طغرل و سید ملک خاتون در يك طرف دیگر بوده است . پدر . - در زمانی که ری هنوز خراب نشده بود تهران تا چه اندازه وسعت داشته است ؟

دستان . - در کتابها تنها چیزی که نوشته اند اینست که پیش از فتنه مغول تهران ۱۲ محله داشته و پیداست که قصبه نسبتاً بزرگی بوده است .

بهرام . - در زمان مغول به تهران آسیبی نرسیده است ؟

دستان . - به نظر می آید که مردم تهران هم از کشتار معروف مغولها در امان نبوده اند و عده ای برای حفظ جان خود به گودالهایی پناه برده اند زیرا پس از فتنه مغول در کتابها نوشته اند عده ای از مردم تهران در غارها زندگی می کنند . تازمان ما در جنوب تهران گودالهای خاکی بود که عده ای از تنگ دستان جنوب شهر بازن و بچه شان در آنجا منزل داشتند و به آنها گود فلان و گود فلان می گفتند . شاید مراد از غارهایی که در کتابها ذکر کرده اند همین گودالها باشد که چند سال پیش از میان بردند . یکی از دروازه های جنوب تهران هم از قدیم تازمان ما به اسم دروازه غار معروف بود و پیداست دروازه ای بود که این غارها را در بیرون آن ساخته بودند . بهرام . - پدر جان شما يك شب می گفتید مسافر اروپایی به ایران زیاد آمده و در سفرنامه هایشان مطالبی درباره ایران نوشته اند که بعضی از آنها تازگی دارند آیا درباره تهران هم چیزی نوشته اند؟

پدر . - آری عزیزم منتهی تاملتی که تهران هنوز پایتخت نشده بود کمتر درباره آن گفتگو کرده اند. زیرا تهران آبادی کوچکی بوده و از وقتی که پایتخت شده است بیشتر درباره اش صحبت داشته اند. ناهید . - هیچ معلوم است اولین مسافر اروپائی که از تهران ذکری کرده کیست ؟

پدر . - البته معلوم است اما آقای دستان حتماً پیش از من در این زمینه اطلاع دارند .

دستان . - اولین مسافری که در سفرنامه خود اسمی از تهران برده « کلاویخو » سفیر اسپانیا در دربار پادشاهان مغولست که در ۵۶۲ سال پیش برای رفتن به دربار مغول در چین از تهران گذشته است .

بهرام . - نفرمودید که پس از خراب شدن ری کدام آبادی در این ناحیه بزرگتر بوده ، تهران یا جای دیگر ؟

دستان . - تهران آبادی درجه دوم بوده و مهم ترین آبادی در ناحیه ری شهر ورامین بوده است که حاکم نشین این ناحیه بشمار می رفته و در دوره مغول مرکز مهمی بشمار می آمده .

ناهید . - بهرام جان یادت هست پارسال دسته جمعی بادائی و زن دائی و بچه هایشان برای گردش به ورامین رفتیم ؟

فرشته . - بله مادر جان من خوب یادم هست پائیز بود اما هنوز هوا سرد نشده بود .

بهمن . - با ماشین دائی پرویز رفتیم .

ناهید . - بله در شهر ورامین خرابه مسجد بزرگی را دیدیم که خیلی تماشائی بود و این علامت آن است که ورامین مرکز مهمی بوده است .

پدر . - این مسجد در همان دوره مغول ساخته شده است .



فرشته . - پدر جان يك امامزاده هم در ورامین دیدیم که گنبد بلند قدیمی داشت اسمش یادم نماند .  
دستان . - امامزاده جعفر ، آن هم از ساختمانهای دوره مغول است .

پدر . - آقای دستان مثل این که در تهران هم از آن امامزاده های کهنه هست .

دستان . - البته چون تهران از آبادیهای متصل به شهر ری بوده و احتمال می رود قبرستانهای بزرگ بیرون شهر ری در همین تهران بوده باشند . برخی از این امامزاده ها که تاریخشان معلوم است از دوره پیش از خرابی ری باقی مانده اند .

پدر . - ممکنست بفرمائید کدام يك از این زیارتگاه ها قدیمی ترند ؟

دستان . - تاجائی که در کتابها نوشته اند یکی شاه عبدالعظیم است در شهر ری . یکی امامزاده یحیی است در تهران ، یکی امامزاده زید ، در وسط بازار تهران است . امامزاده صالح در تجریش و امامزاده حمزه در شاه عبدالعظیم .

ناهید . - این امامزاده ها را لابد پیش از خرابی شهر ری ساخته اند ؟

دستان . - بله خانم شهر ری در اوایل دوره اسلام مر کز مهمی از پیروان طریقه زیدی که یکی از فرق شیعه است بوده و بعضی از این امامزاده ها شاید از پیشوایان زیدیه هستند که در تهران مدفون شده اند . زیدیه ، زید پسر امام زین العابدین (ع) را امام می دانستند . امامزاده صالح تجریش هم پیش از مغول معروف بوده و امامزاده حمزه هم از اجداد صفویه بوده است .

پدر . - گویا رونق تهران بیشتر از این جهت بوده که بر سر

شاهراه بزرگی که از چهار طرف ایران از آن عبور می کرده‌اند واقع شده بود .

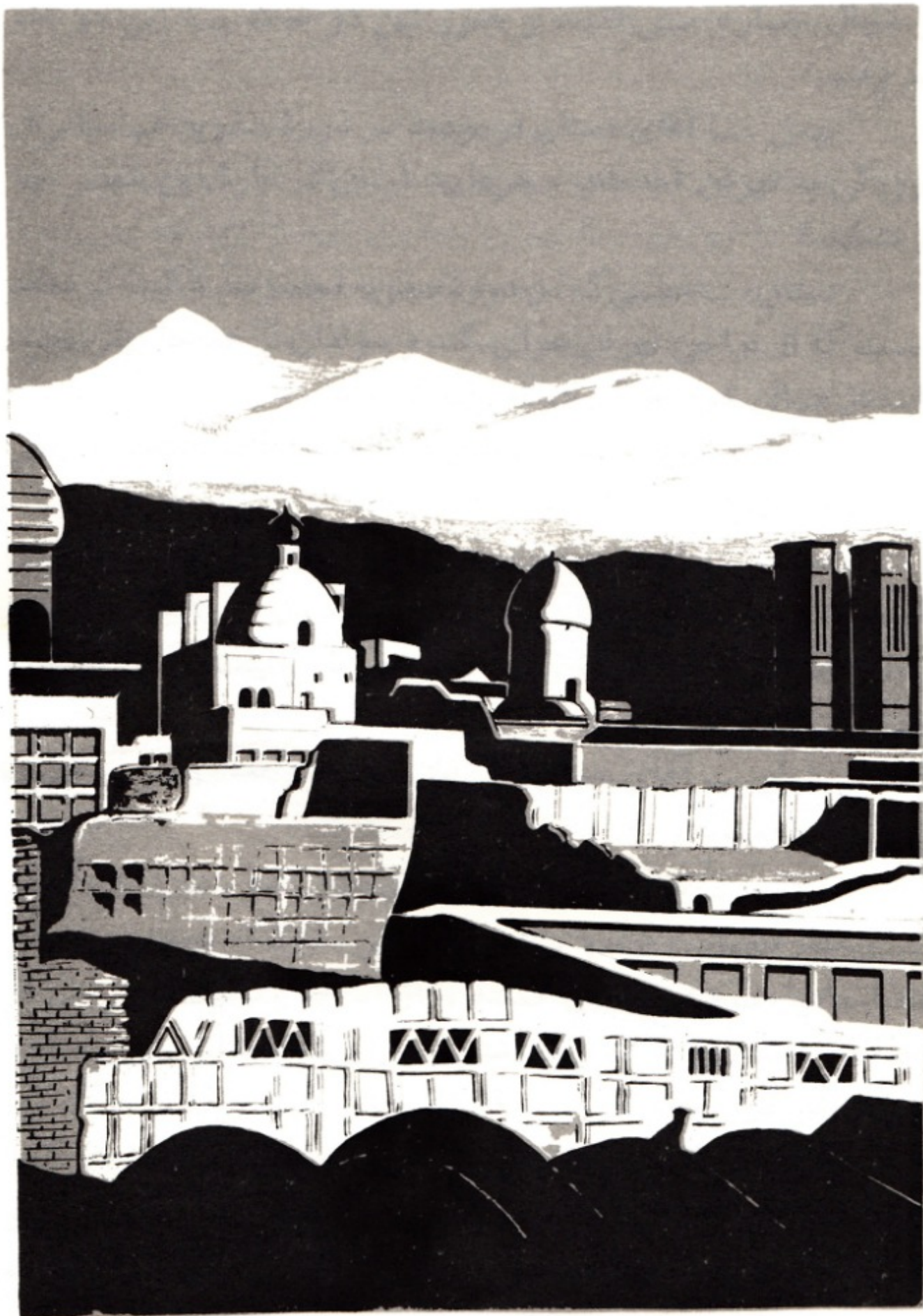
دستان . - البته مخصوصاً پس از خرابی ری تهران منزلگاه مسافران و کاروانها و بازرگانان شده بود و تاپیش از آنکه پایتخت شود همین حال را داشت . مسافرینی که از مشرق و مغرب و شمال و جنوب در ایران سفر می کردند از اینجا می گذشتند . بهمین جهت در دوره تیموریان و صفویه منزلگاه بزرگی در تهران بود که دیوار نداشت و پادشاهان و شاهزادگان که از تهران می گذشتند در آنجا فرود می آمدند .

ناهید . - فرمودید جد صفویه هم در شاه عبدالعظیم مدفونست . پس لابد صفویه به این جا اهمیت بسیار می داده‌اند !

دستان . - البته خانم و اولین ساختمانهایی که در بقعه شاه عبدالعظیم بنا کرده‌اند از آنهاست . مخصوصاً شاه عباس در زمانی که اصفهان را پایتخت کرده بود چند بار به مازندران سفر کرد و راه سنگ فرش از تهران به مازندران را ساخت ، در مازندران هم بناهای زیبا ساخت ، از آن جمله مقبری در « اشرف » بود که همان بهشهرامروز است . شاه عباس در این سفرها همیشه مدتی در تهران می ماند و در همان ساختمانی که اشاره کردم زندگی می کرد .

بهرام . - آقای دستان صفویه در تهران آثار دیگری هم داشته‌اند ؟

دستان . - البته شاه طهماسب در ۴۲۵ سال پیش از این بازاری در تهران ساخت همچنین به دستور اودیواری دورآبادی تهران کشیدند که يك فرسخ طول داشت . در این دیوار چهار دروازه و ۱۱۴ برج ساخته بودند . آثار این برجها تا صد سال پیش هنوز باقی بود . برای ساختن دیوار و برجها ، خاک را از دو جای شهر برداشته بودند و دو گودال



تهران در زمان صفویه

بزرگ پس از خاک برداری باقی مانده بود که به آنها «چال میدان» و «چال حصار» می گفتند و هنوز این دو محله به این دو اسم معروفند .

بهمن . - آقای دستان فرمودید در دوره صفویه هم مسافران اروپائی به تهران آمده اند ، بفرمایید ایشان در باره این شهر چه نوشته اند ؟

دستان . - مطلبی که در دوره صفویه مخصوصاً تأکید کرده اند اینست که از نواحی تهران هوای کند و سولقان از همه جا بهتر بوده . البته از هوای خود تهران هم تعریف کرده اند .

پدر . - گویا کند و سولقان در همین زمانها اهمیت تاریخی هم داشته است ؟

دستان . - البته سید محمد نوربخش که از مشایخ بزرگ زمان خود بود و صوفیه نوربخش پیروان او هستند در این ناحیه می زیسته و باغ باصفائی داشته است . این ناحیه مرکز تعلیمات نوربخشیان بوده است .

بهرام . - آقای دستان در زمان صفویه واقعه مهمی در تهران روی نداده است ؟

دستان . - چرا جانم در ۴۰۱ سال پیش حمزه میرزا را که از پسران شاه طهماسب بود و دعوی پادشاهی داشت به دستور برادرش شاه اسماعیل دوم در تهران کشتند و از این جا پیدا است که برخی از مخالفان سلطنت را که احترام داشته اند در این شهر زندانی می کرده اند . پس از آن در ۳۸۸ سال پیش که شاه عباس اول به قصد جنگ با عبدالؤمن خان ازبك پادشاه ماوراءالنهر که به خراسان حمله کرد از اصفهان عازم خراسان بود در سر راه در تهران سخت بیمار شد و نتوانست به جنگ برود . به همین جهت ازبكها شهر مشهد را گرفتند

ولی سرانجام شاه عباس پس از بهبود، از بکان را از ایران بیرون راند.  
ناهید. - از ساختمانهای صفویه در تهران چیزی به ما رسیده  
است؟

دستان. - بله خانم شاه عباس در تهران خیابانی احداث کرده  
بود بنام چهارباغ که ظاهراً مانند چهارباغ اصفهان بوده و در آنجا  
قصری ساخته بود. گویا این قصر را در همان زمانی که در تهران  
بوده ساخته است و تا اوایل دوره قاجار آن قصر باقی بود ولی بعد آن  
را ویران کردند و ساختمانهای گلستان را به جای آن بنا کردند. به  
نظر می‌رسد خیابان باب‌همایون امروز آخرین حد شمالی این چهارباغ  
بوده زیرا چنارهای بسیار کهن از زمان صفویه در این خیابان بود که  
آثاری از آنها تاکنون باقیست.

بهرام. - ممکنست بفرمایید در این زمان تهران به چه بزرگی  
بوده است؟

دستان. - «پیترو دلاواله» مسافرایتالیائی که در ۳۴۸ سال پیش  
در زمان صفویه تهران را دیده می‌نویسد تهران از کاشان بزرگتر  
بوده اما کمتر جمعیت داشته است. چیزی که جالبست اینست که  
چنارهای تهران توجه او را جلب کرده و به همین جهت تهران را  
شهر چنارها نام گذاشته است. «هربرت» مسافر انگلیسی که در ۳۴۸  
سال پیش یعنی نه سال پس از «پیترو دلاواله» تهران را دیده می‌نویسد  
که این شهر سه هزار خانه داشته است.

پدر. - آقای دستان به نظرم جائی خوانده‌ام که در فتنه افغان  
زد و خوردهائی در تهران روی داده است نمی‌دانم این مطلب تا چه  
اندازه درست است.

دستان. - کاملاً صحیح است. بار اول عده‌ای از سپاهیان  
اشرف افغان در تهران تلف شدند، بار دوم افغانها در سال ۱۱۴۱ یعنی

۲۴۶ سال پیش به تهران آمدند . اعیان شهر با آنها زد و خورد کردند و عده‌ای از آنها کشته شدند . پس از آنکه افغانها به اصفهان حمله بردند مردم تهران اموال آنها را که در این‌جا گذاشته بودند غارت کردند و در این زمان انبار باروتی که در شهر بود آتش گرفت .

بهرام . - بفرمائید در زمان نادر شاه تهران در چه حال بود ؟

دستان . - تاپیش از مشروطه معمول بود که دولت‌ها در مقابل خدماتی که به افراد رجوع می‌کردند املاکی را به آنها واگذار می‌کردند که از محصول و عایدات آنجا زندگی کنند . این املاک را به زبان مغولی «تیول» می‌گفتند . در مشروطیت اول مجلس تیول را لغو کرد . بنابراین معلوم می‌شود که تازمان نادر دولت در تهران املاکی داشته . زیرا نادر شاه املاک تهران را به پسرش رضاقلی میرزا واگذار کرد . شش سال بعد پس از کشته شدن نادر ، پسر دیگرش عادلشاه در ضمن زد و خورد هائی که بامخالفان خود می‌کرد به تهران پناه آورد اما در این شهر گرفتار شد و سلطنت او همینجا به پایان رسید .

ناهید . - آقای دستان میدانیم که فتحعلیخان قاجار چندی تهران را در تصرف خود داشت آیا پیش از آنکه سلسله قاجاریه به سلطنت برسند هم تهران را تصرف کرده بودند ؟

دستان . - بله خانم در ۲۱۵ سال پیش که کریم‌خان زند در ایران سلطنت می‌کرد سرداران او بامحمد حسن خان قاجار پدر آقا محمدخان در تهران جنگ کردند و در این زد و خورد محمدحسن خان کشته شد و سرش را بریده نزد کریم خان بردند . سال بعد که کریم خان وارد تهران شد سر محمد حسن خان را با احترام در شاه عبدالعظیم دفن کردند و يك سال بعد یعنی در ۲۱۳ سال پیش از این کریم خان دستور داد عمارتی در تهران بسازند که شامل دیوان‌خانه



و حرم‌خانه باشد. هنوز در باغ گلستان در قسمت شمال غربی پیوسته به ساختمان موزه حیاط کوچکی هست که به «خلوت کریم‌خانی» معروف است و باقیمانده همان ساختمانهای زمان کریم‌خان است.

پدر. - راستی آقای دستان خوب شد به اینجا رسیدیم. مدت‌ها بود می‌خواستیم این مطلب را از شما بپرسم یادم می‌رفت. این که در جوانی ما می‌گفتند آغا محمد خان که به سلطنت رسید و در تهران تاج‌گذاری کرد دستور داد قبر کریم خان را در شیراز بشکافند و سرش را جدا کنند و بیاورند در تهران در زیر پله‌ای که از آن رفت و آمد می‌کرد دفن کنند تا هر وقت بالا و پایین می‌رود سر او را لگد بکند این راستست یا نه؟

دستان. - والله این داستان معروف بود و همه آن را بازگو می‌کردند اما کسی این را در جائی ننوشته و سندی برای این مطلب نداریم، به همین جهت من گمان نمی‌کنم حقیقتی داشته باشد. بهمن. - خوب نفرمودید که ساختمان کریم خان چه حالی داشته است.

دستان. - جزئیات آن درست معلوم نیست زیرا که فتح‌علی‌شاه قسمت عمده آن را ویران کرد و ساختمانهای تازه‌ای برجای آن بنا کرد. همین قدر پیدا است که ساختمان در باغ بزرگی بوده که نام آن را باغ جنت گذاشته بودند و گویا این باغ بسیار بزرگ بوده و آنچه را که سابق ارگ تهران می‌گفتند فرامی‌گرفته است. بهرام. - بفرمائید ارگ به چه معنی است و ارگ تهران کجا بوده است؟

دستان. - ارگ يك كلمه قدیمیست که از زمان ساسانیان باقی مانده. در هر شهری محل حکومت یا سلطنت فضای محصورى بوده که دیوار و برج و بارو و خندق داشته و پاسبان آنجا را در زمان



کتابخانه  
بازار تهران

ساسانیان «ارگبد» می گفتند و ارگبدان دارای مناصب مهم بوده‌اند. ارگ تهران تمام فضائی بوده که از شمال به میدان سپه امروز و از مشرق به خیابان ناصر خسرو و از جنوب به خیابان بوذرجمهری و از مغرب به خیابان خیام امروز می‌رسیده است.

ناهید. - گویا بجز تهران شهرهای دیگر هم ارگ داشته‌اند. دستان. - البته، منتهی ارگ برخی از این شهرها سابقاً از میان رفته و در یاد کسی نمانده اما ارگ بعضی شهرهای دیگر هنوز بیاد مردم هست مثل ارگ تبریز، ارگ مشهد، ارگ شیراز. این ارگها البته جنبه نظامی و دفاعی شهر را هم داشته‌اند و برج و بارو و خندق و آبریز برای این بوده است که در موقع محاصره آن را حفظ کنند و در ضمن هم زندانهای برای نگاهداری از زندانیان داشته‌اند.

بهمن. - در چه زمانی تهران پایتخت شد؟

دستان. - آقا محمد خان پس از مرگ کریم خان از شیراز به حوالی تهران آمد زیرا که برخی از قبایل ایل قاجار در صحرای ورامین و اطراف تهران و برخی دیگر در شهر استرآباد یعنی گرگان امروز و عده‌ای هم در مازندران بودند و رویهم‌رفته به تهران نزدیک بودند. او روز بیستم ماه صفر ۱۱۹۳ یعنی ۱۹۳۳ سال پیش به شاه‌عبدالعظیم رسید و در آنجا به تخت نشست اما این تاجگذاری رسمی او نبود و تا شش سال نتوانست تهران را بگیرد زیرا که مخالفان وی تهران را تسلیم او نمی‌کردند. پس از شش سال شهر را محاصره کرد و باز مردم تهران شهر را تسلیم نکردند تا آنکه سرانجام در سال ۱۲۰۰ یعنی ۱۸۶۱ سال پیش این شهر را گرفت و در اینجا تاجگذاری رسمی کرد و به سلطنت نشست. از آن روز تهران پایتخت ایران شد.

بهرام. - سالهای اولی که تهران پایتخت شد لابد به همان

کوچکی دوره صفویه بوده و بعد کم کم بزرگ شده است . این طور نیست ؟

دستان . - چرا جانم . پادشاهان قاجار که ۱۵۱ سال قمری در این شهر سلطنت کرده اند هریک بیش و کم در تهران آبادی کرده و ساختمانهای بجا گذاشته اند . اما پیداست که شهر به مرور بزرگ شده و مخصوصاً پس از انقراض سلسله قاجار رو به ترقی گذاشته است . چنانکه تهران امروز شش برابر تهران پایان دوره قاجارهاست<sup>۱</sup> .  
ناهید . - سابقاً اشاره فرمودید که شاه عبدالعظیم و امامزاده یحیی و امامزاده زید و امامزاده صالح تجریش و امامزاده حمزه در شاه عبدالعظیم در زمانهای قدیم ساخته شده اند ممکنست بفرمائید کدام یک از اینها کهنه تر است ؟

دستان . - خانم دو اشکال در پیش است یکی اینکه معرفی امامزاده زید و امامزاده صالح از نظر تاریخ به درستی معلوم نیست و قطعاً نمیتوان معین کرد در چه تاریخی می زیسته اند . دیگر آنکه ساختمانهای این امامزاده ها که امروز هست به مرور زمان چندین بار تغییر کرده و وضع امروزی آنها قدیم تر از زمان صفویه نیست و بعد از صفویه هم باز در آنها دست برده اند .

ناهید . - پس به عقیده شما شاه عبدالعظیم و امامزاده زید و امامزاده حمزه بیشتر اعتبار دارند .

دستان . - البته از شاه عبدالعظیم که در شهر ری مدفون بوده ، در کتابهای تاریخ مکرر نام برده اند و انگهی در شرح حال ابوالفتح رازی که از دانشمندان ایران بوده تصریح کرده اند که او را در بقعه امامزاده حمزه به خاک سپرده اند . از اینجا پیداست که امامزاده حمزه

---

۱- این مقایسه مربوط به سالهای خیلی پیش است و حال آنکه تهران کنونی شاید چند برابر بزرگتر از بر آورد نویسنده باشد . ن .

و قبر وی در ۸۵۰ سال پیش معروف بوده است. اما امامزاده زیدچنانکه اشاره کردم از اولاد زید بن علی بن حسین (ع) است و باید در همان زمانها بوده باشد. نسب امامزاده قاسم شمیران را هم به او می‌رسانند و دور نیست که این هم درست باشد. باید در نظر داشت که لطفعلی خان آخرین بازمانده کریم خان زند که از آقا محمد خان در ۱۷۹۰ سال پیش شکست خورده اسیر شد، در تهران به قتل رسید و پیکرش را در امامزاده زید در وسط بازار به خاک سپردند. در این صورت این ساختمان ۱۷۹۰ سال پیش وجود داشته است.

پدر. - آقای دستان لابد در این شهر تهران پس از آنکه پایتخت سلسله قاجاریه شده وقایع بسیاری روی داده است. ممکن است مهمترین آنها را بفرمائید؟

دستان. - البته ناچار باید از اول یعنی از قدیمترین واقعه شروع بکنم. اولین واقعه‌ای که در تاریخ ثبت شده اینست که پس از کشته شدن آقا محمد خان در ۱۷۹۰ سال پیش یکی از برادرانش علیقلی خان مدعی سلطنت شد. فتحعلی شاه که در فارس بود برای تصرف تاج و تخت به تهران حمله کرد. ولی میرزا شفیع مازندرانی صدراعظم که در تهران بود با وسایلی که داشت مانع شد. سال بعد فتحعلی شاه خود را به تهران رساند و تاج گذاری کرد. پس از آن در قزوین با صادق خان کرد شقاقی از سران آذربایجان که در لشکر کشی قفقاز همراه آقا محمد خان بود و در لشکرگاه شوش (در آذربایجان شوروی امروز) جزء کسانی بود که اسباب کشته شدن آقا محمد خان را فراهم کرده بود و او هم مدعی سلطنت بود و آهنگ تهران کرده بود جنگ کرد و او را شکست داد. عده‌ای از لشکریان صادق خان را که در آن جنگ اسیر شده بودند وادار کرد خندق و دیوار تازه‌ای دور شهر بسازند و شهر بزرگتر شد.



پدر . - گویا بعد از مرگ فتحعلی شاه هم کسی مدعی سلطنت محمد شاه شده است .

دستان . - آری نه تنها يك بلکه دو نفر . می دانید فتحعلی شاه پسران متعدد داشت و کمترین عده آنها را در مرگ او ۵۷ نفر نوشته اند . پس رانی که مسن تر بودند هریک حکمران يك ناحیه از ایران را داشته اند . عباس میرزا نایب السلطنه پسر اول نبود بلکه پسر چهارم بود اما چون سه برادر بزرگ تر از او مادرانشان قاجار نبودند او را به ولیعهدی انتخاب کرده بودند . ولی برادران دیگر هم ادعای پادشاهی داشتند . به همین جهت پس از مرگ فتحعلی شاه در ۱۴۰ سال پیش نخست پسرش علিশاه ظل السلطان که حاکم تهران بود مدعی سلطنت شد و به تخت نشست و سکه زد و از طرفی پسر دیگرش حسینعلی میرزا فرمانفرما حکمران فارس به یاری برادرش «حسنعلی میرزا شجاع السلطنه» حکمران کرمان در جنوب قیام کرد . اما محمد شاه که ولیعهد رسمی بود به یاری سیاست خارجی وارد تهران شد و تاج و تخت را گرفت . بار دیگر در ۱۲۶ سال پیش ناصرالدین شاه پس از مرگ پدرش گرفتار مدعیانی از خانواده خود شد . اینها بود خلاصه وقایع مهمی که در اوایل دوره قاجارها در تهران روی داده .

بهرام . - فرمودید در دوره قاجارها کم کم تهران وسیع تر و آبادتر شده است . ممکن است بفرمائید این آبادی تا چه اندازه بوده است ؟

دستان . - مهم ترین قدمی که در وسعت و آبادی تهران برداشته شد در زمان ناصرالدین شاه بود . تا ۹۷ سال پیش تهران شهر بسیار کوچکی بود ، از طرف جنوب منتهی می شد به آخر بازار ، از طرف مشرق به خیابان ناصرخسرو امروزی ، از طرف شمال به میدان سپه و از طرف مغرب به خیابان خیام امروز . ارگ تهران یعنی جایگاه





کتابخانه مسجد شاه

عمارتهای سلطنتی در آخرین قسمت شمالی شهر یعنی انتهای خیابان باب‌همایون تأمیدان سپه بود. شهر، خندق و دیوار داشت. خندق شمالی در جنوب میدان سپه درجائی که ساختمان تلگرافخانه است قرار داشت و خندق شرقی در خیابان ناصر خسرو بود. پس از بزرگ شدن شهر در جای خندق شرقی بازاری ساختند که تاچندی پیش هم بود و آن را برچیدند و به آن بازار کنار خندق می‌گفتند. قسمتی از دیوارهای شهر در خیابان خیام امروز باقی مانده بود که تا زمان ما هم وجود داشت.

ناهید. - بفرمائید از چه زمانی شروع به توسعه شهر کردند؟  
دستان. - چنانکه عرض کردم در ۱۰۱ سال پیش درصدد برآمدند شهر را بزرگ کنند و این کار پنج سال طول کشید تا آنکه در ۹۶ سال پیش به پایان رسید. تهران را به شکل هشت گوش درآوردند و چون پاریس که در آن زمان هنوز خندق و دیوار داشت در اطراف تهران نیز خندق کردند، دیوار ساختند و خندق‌های سابق را پر کردند و دیوارها را برداشتند. چنانکه قسمت جنوبی میدان سپه را که ساختمان تلگرافخانه باشد درجائی که خندق را پر کرده‌اند بنا کرده‌اند. هنگامی که مشغول این کارها بودند در ۹۹ سال پیش قحطی بسیار سختی پیش آمد که تا سالیان دراز مردم بیاد داشتند و این قحطی تاریخی شده بود و همه می‌گفتند در سال قحطی فلان اتفاق افتاد. در این سال قحطی بیشتر به عملیات شهرسازی و توسعه شهر اهمیت دادند برای اینکه برای مردم گرسنه کاری پیدا بکنند. در این زمان حاج میرزا حسین خان سپهسالار صدراعظم ایران اصلاحات دیگری کرد و قحطی را به پایان رسانید.

پدر. - خوب آقای دستان خواهشمندم بفرمائید تهران را در آن زمان تا چه اندازه بزرگ کردند؟

دستان . - طول خندق و دیوار شهر را که در آن زمان ساختند  
۱۹۵۹۶ متر نوشته‌اند یعنی قدری بیشتر از ۱۹ کیلومتر ونیم .

بهرام . - لابد این دیوار دروازه‌هایی هم داشته است .

دستان . - البته دوازده دروازه ساخته بودند در شمال : از  
راست به چپ ، دروازه شمیران ، دروازه دولت ، دروازه یوسف آباد .  
در مغرب : دروازه باغ شاه ، دروازه قزوین ، دروازه خانی آباد . در  
جنوب : دروازه گمرک ، دروازه غار ، دروازه شاه عبدالعظیم . در  
مشرق : دروازه خراسان ، دروازه دولاب ، دروازه دوشان تپه .

بهمن . - از دروازه‌های قدیم هیچ باقی نمانده ؟

دستان . - چرا در انتهای بازار ، دو دروازه باقی مانده که به  
آنها دروازه محمدیه و دروازه عباس آباد می گویند .

ناهید . - در موقعی که شهر را بزرگ کردند قسمت‌های بیرون  
شهر در چه حالی بود ؟

دستان . - البته به آبادی امروز نبود، در بعضی قسمت‌ها باغها  
و پارکهای بزرگ و گردشگاههایی برای مردم تهران بود. مثلاً سراسر  
ضلع جنوبی میدان بهارستان باغ بزرگی بود به اسم نظامیه که میرزا  
آقاخان صدراعظم بنام پسرش نظام‌الملک آباد کرده بود و قنات  
مخصوصی بنام قنات نظامیه داشت . در این باغ تالار بزرگی بود که در  
چهارطرف آن بر دیوار پرده نقاشی بزرگی شامل تصاویر شاه و شاهزادگان  
واعیان دربار و دولت و حتی سفرا بالباس تمام رسمی یا لباس سلام بود  
که به همین جهت به آن صف سلام می گفتند که از کارهای بسیار جالب  
میرزا ابوالحسن صنیع‌الملک غفاری نقاش هنرمند آن زمانست و اکنون  
در موزه ایران باستان جا داده‌اند .

پدر . - گویا آن طرف میدان بهارستان هم باغ دیگری بود .

دستان . - آری ، این میدان را گویا در زمان صفویه باز کرده

بودند زیرا در ضلع جنوبی آن روبروی همین باغ نظامیه چنارهای بسیار کهن صدساله بود که پیدا بود از زمان صفویه مانده است و چنانکه فرمودید در ضلع شمالی میدان، باغ معروف «نگارستان» بود که فتحعلی شاه آباد کرده بود و در آنجا هم يك پرده نقاشی مانند همین صف سلام شامل «تصویر» پادشاه و پسران و درباریان فتحعلی شاه نصب کرده بودند که اصل آن از میان رفت و از روی آن یکی از نقاشان اخیر کپی کرده بود که در ساختمان سابق وزارت امور خارجه که اکنون محل شیر و خورشید سرخ است نصب کرده بودند و اینك در موزه ایران باستان است.

بهرام. - باغ نگارستان همان جائی نیست که قائم مقام صدراعظم معروف را در آن خفه کرده اند؟

دستان. - چرا جانم، همان جاست و یگانه اثری که از آن باقی مانده يك قسمت از ساختمان آن است که موزه هنرهای ملی در آنجاست. این باغ نگارستان هم بسیار بزرگ بود و چهار طرف آن محدود بود به خیابان نظامی و خیابان هدایت و خیابان خیام و میدان بهارستان. چنانکه باغ نظامیه هم تقریباً به همین اندازه بود و از میدان بهارستان تا خیابان امیر کبیر می رسید. در مغرب آن پارك ظل السلطان بود که حالا قسمتی از آن وزارت آموزش و پرورش است.

بهمن. - آقای دستان پدر یکی از همشاگردیهای ما يك روز از باغ «لاله زار» اسم می برد این باغ کجا بوده است؟

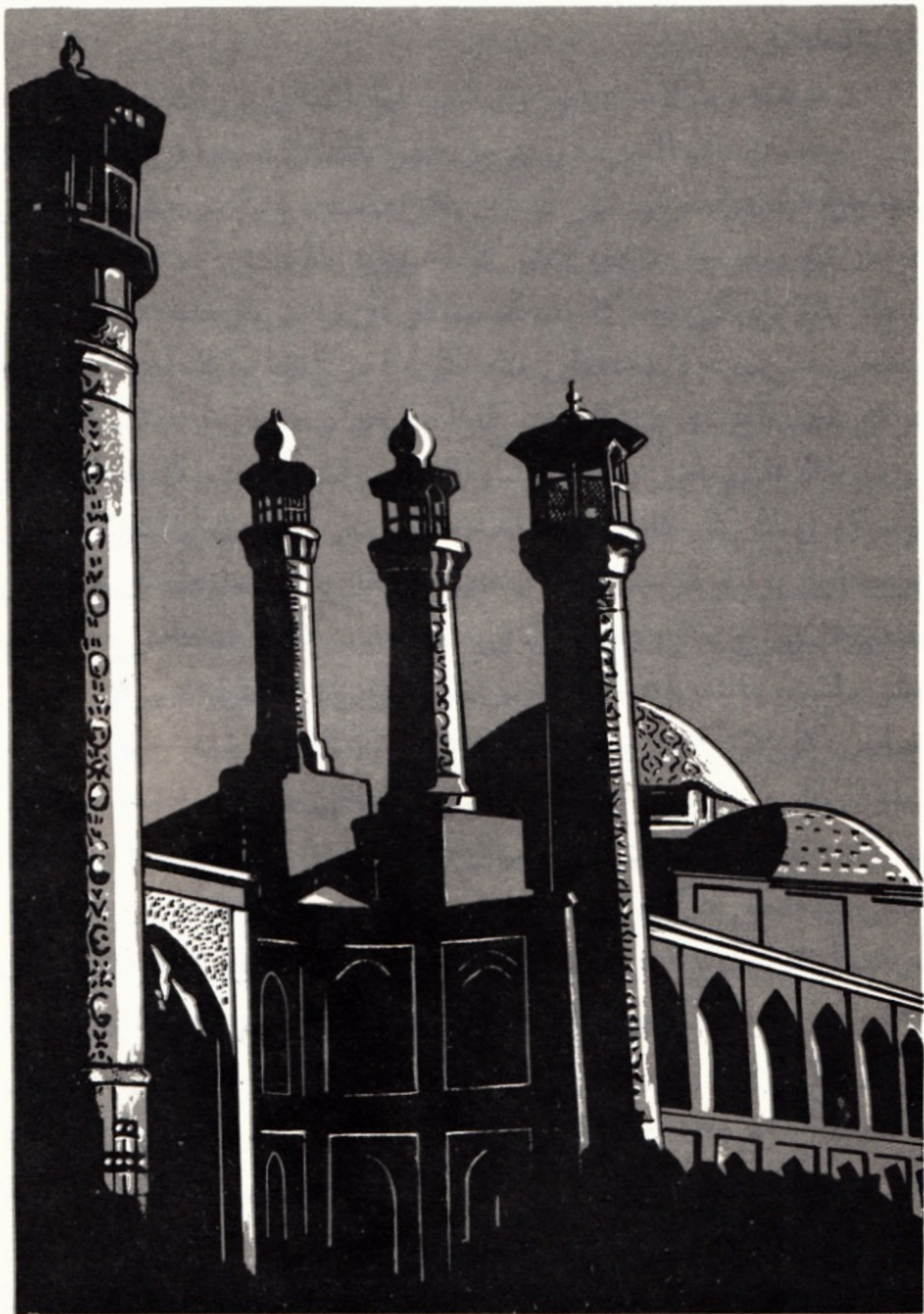
دستان. - اسم خیابان لاله زار امروز از همان باغ است. این باغ در میان خیابان اکباتان امروز و چهارراه مخبرالدوله و میان دو خیابان سعدی و لاله زار امروز بوده. در اوایل باغ وحش بوده یعنی از حیوانات مختلف نمونه هائی در آنجا نگه داشته بودند و بعد این حیوانات را به باغ دوشان تپه در مشرق تهران بردند و به همین جهت

بود که خیابان سعدی امروز را سابقاً خیابان باغ وحش می گفتند و بعد که باغ وحش را از آنجا بردند مردم به آن خیابان «لختی» می گفتند زیرا که هیچ دکان در آن نبود.

ناهید. - از این مطالبی که می فرمائید پیداست که تهران سابقاً باغهای بزرگ و فراوان داشته که حالا اثری از آنها نیست. ممکن است درباره باغهای دیگر نیز مطالبی بفرمائید؟

دستان. - البته باکمال میل. این که فرمودید در این شهر باغهای بزرگ فراوان بوده تردیدی نیست و به جرأت می توان گفت تهران شهر باغها بوده نه تنها در بیرون شهر از چهار طرف بلکه در داخل شهر هم باغهایی وجود داشته است. آنچه باقی مانده یکی محل کنونی سفارت شورویست که سابقاً به اسم پارك اتاييك معروف بوده و میرزا علی اصغر خان اتاييك صدراعظم سابق آباد کرده بود. دیگر باغ بهارستان که حاج میرزا حسین خان سپهسالار صدراعظم ناصرالدین شاه آباد کرده، دیگر باغ گلستان که از زمان صفویه بهمان شکل باقی مانده است. در دو طرف خیابان هدایت امروز در طرف شمال باغ بزرگی بود متعلق به محمد ولی خان خلعتبری سپهسالار اعظم که اینك قسمتی از آن بنام محله «ولی آباد» معروفست. در جنوب این خیابان «پارك مسعودیه» متعلق به مسعود میرزا ظل السلطان پسر ناصرالدین شاه بود که يك حد آن به خیابان خیام و يك حد به خیابان صفی علیشاه و حد دیگر آن به خیابان خانقاه می رسید. در مغرب شهر، پارك «شعاع السلطنه» پسر مظفرالدین شاه بود که منتهی به دروازه «باغ شاه» می شد. در شمال خیابان ژاله امروز پارك بسیار بزرگی بود متعلق به حاج میرزا علی خان امین الدوله صدراعظم مظفرالدین شاه که تاچندی پیش قسمت هائی از آن مانده بود، در سراسر خیابان





مسجد شہساز  
کتابخانہ



امیریه پارك بزرگی بود به همین نام متعلق به کامران میرزا  
نایب السلطنه .

فرشته . - لابد در بیرون شهر هم باغهای بزرگ بوده است .  
دستان . - البته ، در بیرون شهر باغهای بسیار بزرگ بود که  
تنها باغ شاه در مغرب شهر از آن باقی مانده ، ولی در مشرق باغهای  
دوشان تپه و فرح آباد در کنار کوه سه پایه باقیست . در جنوب قصر  
قاجار باغ بزرگی بود که يك قسمت از آن را سربازخانه کرده بودند  
و محل «بی سیم» و ساختمان ستاد کل را در آنجا ساخته اند . در شمال  
شرقی شهر باغ عشرت آباد بود که آنجا هم به سربازخانه تبدیل شده .  
در سر راه قدیم شمیران که به نیاوران می رفت باغ بزرگ سلطنت آباد  
بود که اینك کارخانه های اسلحه سازی در آنجاست . اینها باغهای  
درجه اول بود و در چهار طرف شهر در خارج از محوطه آن و بیرون  
خندق ها و برج و باروها باغهای متعدد بود که به اشخاص مختلف  
تعلق داشت ، مانند باغ صبا که در ضلع غربی راه قدیم شمیران یعنی  
خیابان کورش کبیر بود ، و باغ فردوس که در ضلع جنوبی راه  
پهلوی بود و اینك ساختمان مرکزی آن باقی مانده و محمدشاه قاجار  
در آنجا در گذشته است . در میان دز آشوب و نیاوران باغ بزرگ  
کامرانیه متعلق به کامران میرزا نایب السلطنه پسر ناصرالدین شاه بود .  
در شمال تهران باغ بزرگ عباس آباد بود که هنوز قسمتی از آن  
باقیست و در شمال غربی باغ بزرگ بهجت آباد و یوسف آباد بود که  
هر دو تعلق داشت به میرزا یوسف مستوفی الممالک صدراعظم ناصرالدین  
شاه و اینك دو محله بزرگ شده است .

بهرام . - بفرمائید علت این که این باغها را از میان بردند  
چه بود ؟

دستان . - از روزی که شهر بزرگ شد و قیمت زمین بالا

رفت یعنی تقریباً از چهل سال پیش صاحبان این باغها زمینهای آنها را به تدریج فروختند و مردم خریدند و خانه ساختند و از بعضی از آنها يك محله بیرون آمد مثل محله ولی آباد و محله فخرآباد و محله معروف به باغ سپهسالار. باغ بزرگ دیگری در قسمت جنوب غربی شهر بوده که سابقاً از میان رفته و ما بیاد نداریم و به آن باغ جنت گلشن می گفتند و اسم آن روی همان خیابان مانده است. باغ بزرگ دیگری در وسط شهر بوده یعنی از خیابان سوم اسفند تا خیابان شاه یا نادری که به آن باغ ایلخانی می گفتند. گذشته از اینها در مغرب تهران سه قطعه زمین بزرگ بود که در آنها سبزی کاری می کردند. یکی معروف بود به تخت زمرد یکی سبزی کاری امین الملک و یکی سبزی کاری فرمانفرما. از باغهای سلطنتی اطراف تهران هم بجز آنهایی که اسم بردم تنها باغ سرخه حصار سر راه دماوند و باغ نیاوران یا صاحبقرانیه باقی مانده و باغ شهرستانک در نواحی شرقی پایتخت و باغ طغرل در شاه عبدالعظیم از میان رفته اند.

پدر. - آقای دستان بفرمائید ببینم از بناهای اوایل دوره قاجارها بجز ارگ، دیگر در تهران چه مانده است؟

دستان. - پیش از سلطنت فتحعلی شاه در تهران بناهای مهمی نکرده بودند. فتحعلی شاه در محوطه گلستان ساختمانی کرده بود که به اسم «عمارت خورشید» معروف بود و در ضلع شرقی خیابان روبروی کاخ دادگستری بود که از جنوب منتهی به تخت مرمر می شد و در مغرب آن يك ردیف اطاق در کنار خیابان بود و زیر آن دالان تنگ و تاریکی بود که به حیاطهای مجاور راه داشت. در قسمت شمالی آن تالاری بود که بر دیوارهای آن نقاشیهای جالب کرده بودند. در پشت این ساختمان حیاطهای اندرونی متعدد بود و در یکی از آنها چنار بسیار کهنی بود که زنان حرم به آن اعتقاد داشتند و نذر و نیاز می کردند

و به اصطلاح به آن دخیل می‌بستند . ساختمانهای اندرون از يك طرف به ضلع جنوبی خیابان باب‌همایون امروز منتهی می‌شد که سر در بلندی داشت و در دو طرف آن دو قراولخانه بود . از طرف دیگر به خیابان ناصر خسرو و خیابان بوذرجمهری امروز منتهی می‌شد و از طرف دیگر به خیابان خیام و در هر سه طرف دیوارهای بلند و برج و باروهای بود که تا چهل سال پیش باقی مانده بود . در جنوب باغ گلستان از طرف مغرب در دو طرف میدانی که امروز وزارت اطلاعات و وزارت کشور در آنجا هست يك دروازه بود که از آنجا به گلستان می‌رفتند و يك دروازه دیگر بود که به خیابان بوذرجمهری منتهی می‌شد و چون در طلوع صبح و غروب آفتاب در آنجا نقاره می‌زدند بنام دروازه نقاره‌خانه معروف بود . در وسط این میدان روی صفه بلندی توپ‌بزرگی گذاشته بودند که به آن توپ مروارید می‌گفتند و معروف بود از توپهایی بوده است که شاه عباس از پرتغالیان در جزیره هرمز گرفته بود، ولی در روی آن کتیبه‌ای هست و اشعاری کنده‌اند که می‌رساند در زمان فتحعلی شاه ساخته شده و اشعار آن از فتحعلی خان صبا ملك الشعراي دربار اوست . این توپ اکنون در باشگاه افسرانست و توپهای دیگری که در پای دیوارهای عمارت قزاق‌خانه هست از توپهاییست که در جنگ با روسهای تزاری در زمان فتحعلیشاه گرفته‌اند . عمارت قصر قاجار که پیش از این به آن اشاره کردم در زمان آقامحمد خان ساخته شده و لشکرگاه او در خارج از شهر بوده به این معنی که در لشکر کشیها سپاهیان خود را در آنجا سان می‌دیده و به میدان جنگ می‌فرستاده است . فتحعلیشاه در ساختمان آن تغییر مختصری داده و سرسره‌ای در آنجا ساخته بود و به این کار علاقه وافری داشت، چنانکه در باغ نگارستان و حتی در باغی که در حوالی شاه عبدالعظیم ساخته بودند نیز سرسره‌ای ترتیب داده بود . در مجاورت این باغ نقش برجسته‌ای

از زمان ساسانیان بوده که فتحعلی شاه دستور داده است آن را محو کرده‌اند و صورت خود او را به‌جای آن کنده‌اند و آن کوهی که این نقش در آنجاست حالا به‌کوه «سرسره» معروفست این محل نزدیک چشمه علی است .

ناهید . - آقای دستان گویا در میدان تخت مرمر سابقاً مراسم جالبی بوده که هر سال برقرار می‌کرده‌اند، تمنی دارم آنچه به‌یادتان هست بفرمائید .

دستان . - البته خانم ، هر سال شب چهارشنبه سوری مردم برای گردش و تفریح به‌این میدان می‌رفتند و عقیده داشتند کسی که آرزوئی داشته باشد اگر از دروازه نقاره‌خانه وارد میدان بشود و از آن صفه بالا برود و روی توپ بنشیند آرزوی او برآورده می‌شود . در ماه رمضان هم مراسمی شبیه به‌این در تهران برپا میشد . مردم همه نزدیک افطار به‌مسجد سپهسالار و محوطه بهارستان می‌رفتند . دکاندارها و مخصوصاً خرازی فروشان در دو طرف خیابان بساط چیده بودند و مشتری بسیار داشتند . شبها بعد از افطار دوباره مردم به‌مسجد بر می‌گشتند و تا نیمه شب در آنجا می‌ماندند . زنان معتقد بودند که روز ۲۷ رمضان برای کسانی که آرزوی شوهر داشتند باید «پیراهن بخت» بدوزند و پارچه بریده‌ای را با خود به شبستان مسجد می‌برند و در میان دو نماز با عجله آنرا می‌دوختند . حتی برخی از زنان متجدد چرخ خیاطی با خود به مسجد می‌بردند .

بهرام . - آقای دستان ممکنست تاریخ مسجدهائی را که اکنون در تهران هست بفرمائید ؟

دستان . - البته ، قدیم‌ترین مسجد تهران مسجد جامع در بازار است که پیش از سلطنت قاجارها ساخته شده و در اوایل دوره قاجارها در آن تصرفاتی کردند . در زمان فتحعلی شاه مسجد شاه و مدرسه خان



برج طغرل



مروی و مدرسه صدر و مسجد سیدعزیزالله در بازار و مسجد سیدولی را  
 در سنگلج ساخته‌اند. در ضلع جنوبی خیابان بوذرجمهری امروز در  
 سرپیچی که از خیابان ناصر خسرو روبه‌مشرق می‌رود مدرسه‌ای بود بنام  
 مدرسه دارالشفاء که تقریباً حکم بیمارستان را داشت و بیماران به آنجا  
 رجوع می‌کردند و حتی در چهار طرف آن در میان دو طبقه ساختمان  
 کاشی‌هایی بود که مراسم معالجه و مداوا و حتی عملیات طبی را در  
 روی آنها نقش کرده بودند، متأسفانه در گشاد کردن خیابان این مسجد  
 و مدرسه را ویران کردند همچنانکه بی‌جهت عمارت قصر قاجار را  
 هم از میان بردند. قصر قاجار چیز بسیار جالبی بود که یادگاری از  
 مهندسان قدیم ایران بشمار می‌رفت و چون عمارت را روی تپه‌بلندی  
 که هنوز هست ساخته بودند و آب بر آن نمی‌نشست و سوار نمی‌شد  
 بر روی مجرای آبی که در پای تپه بود شتر گلوها و میله‌های متعدد  
 ساخته بودند که آب را تدریجاً بالا می‌برد و به بالای تپه می‌رساند. اما  
 مسجدهای دیگری که پس از فتح‌علی شاه ساخته شده یکی مسجد  
 «مادرشاه» در خیابان باب‌همایون، دیگر مسجد سپهسالار قدیم در  
 بازار پامنار و مسجد مجد در خیابان سپه و مسجد شیخ عبدالحسین در  
 انتهای بازار و مهم‌تر از همه مسجد سپهسالار جدید است که حاج  
 میرزا حسین‌خان سپهسالار صدراعظم ناصرالدین شاه که در ۸۸ سال  
 پیش در گذشته، دو سال پیش از مرگش به ساختمان آن و عمارت  
 بهارستان آغاز کرده و ۸۴ سال پیش از این پس از مرگ او به پایان  
 رسیده است.

فرشته. - این امامزاده‌ها و بناهایی که در تهران و بیرون شهر  
 هست اینها هم باید کهنه باشند.

دستان. - البته از برخی از این زیارتگاه‌ها در کتابهای قدیم  
 اسمی هست. از بناهای جالب و قدیمی یکی «سید ملک خاتون» قبر

سیده ملک خاتون زن فخرالدوله دیلمی از خاندان آل بویه است که پس از مرگ شوهرش مدتی در ایران به جای پسرش مجدالدوله که نابالغ بود پادشاهی کرده و برج طغرل هم قبر طغرل سوم آخرین پادشاه سلجوقی است که در همان جا در میدان جنگ از اسب افتاده و هلاک شده است. امامزاده‌هایی که قبلاً ذکر آنها را کرده‌ام از امامزاده‌های دیگر مانند «سید نصرالدین» و «سید اسماعیل» و «سیدولی» اطلاع درستی در دست نیست و از همه این زیارتگاه‌ها «سرقبر آقا» تازه‌تر است که در زمان ناصرالدین‌شاه ساخته‌اند. ابن بابویه هم که در شهری مدفونست از پیشوایان معروف مذهب شیعه و ساکن تهران بوده و برادرش هم در قم مدفونست.

ناهید. - این ساختمانهایی که در گلستان هست در چه زمانی ساخته شده؟

دستان. - تالار موزه و عمارت بادگیر و شمس‌العماره و تالار برلیان و قصر ایض را ناصرالدین‌شاه ساخته، تخت مرمر نیز از زمان فتحعلی‌شاه است و در کنار آن در ضلع شرقی يك ردیف ساختمان دو طبقه بود که پنجاه و دو سال پیش در آتش‌سوزی از میان رفت. در جنوب شرقی گلستان در پشت عمارت بادگیر کنونی محوطه بسیار بزرگی بود که به آن «تکیه دولت» می‌گفتند و تکیه به محوطه‌ای می‌گفتند که در وسط محلات شهر برای عزاداری و تعزیه‌خوانی روزهای عاشورا اختصاص داده بودند. تکیه دولت از اطراف طاق‌نماها و حجره‌های دو طبقه داشت و روی آن بامیله‌های آهنیك گنبد میان تهی ساخته بودند که در موقع لزوم روی آن چادر می‌کشیدند. جسد مظفرالدین‌شاه را تا چند سالی در آنجا گذاشته بودند پس از آن به شاه عبدالعظیم بردند.

پدر. - راستی آقای دستان در باب نامهای محلات مختلف

تهران چه اطلاعاتی هست ؟

دستان . - از اسامی این محلات پیداست که از قدیم مانده مثل عودلاجان که در اصل اودلاگان با الف و گاف بوده و حالا با عین و جیم می نویسند و سنگلج از کلمه سنگ ساخته شده و سرچینک و درخانگاه که پیداست در آنجا خانگاه یعنی خانقاهی بوده است و پامنار که هنوز منار کهنه ای در آنجا هست و سرچشمه که چشمه مهمی در آنجا بوده است. پاقایق اطراف میدانی بوده است که در میان آن قایقی بوده یعنی چوب بلندی که سرهای بریده کسانی را که اعدام می کردند روی آن می گذاشتند تا مردم ببینند و عبرت بگیرند .

بهرام . - فرمودید شهر تهران را در ۹۷ سال پیش بزرگ تر کردند تمنی دارم بفرمائید تا چه اندازه بزرگ شده بود ؟

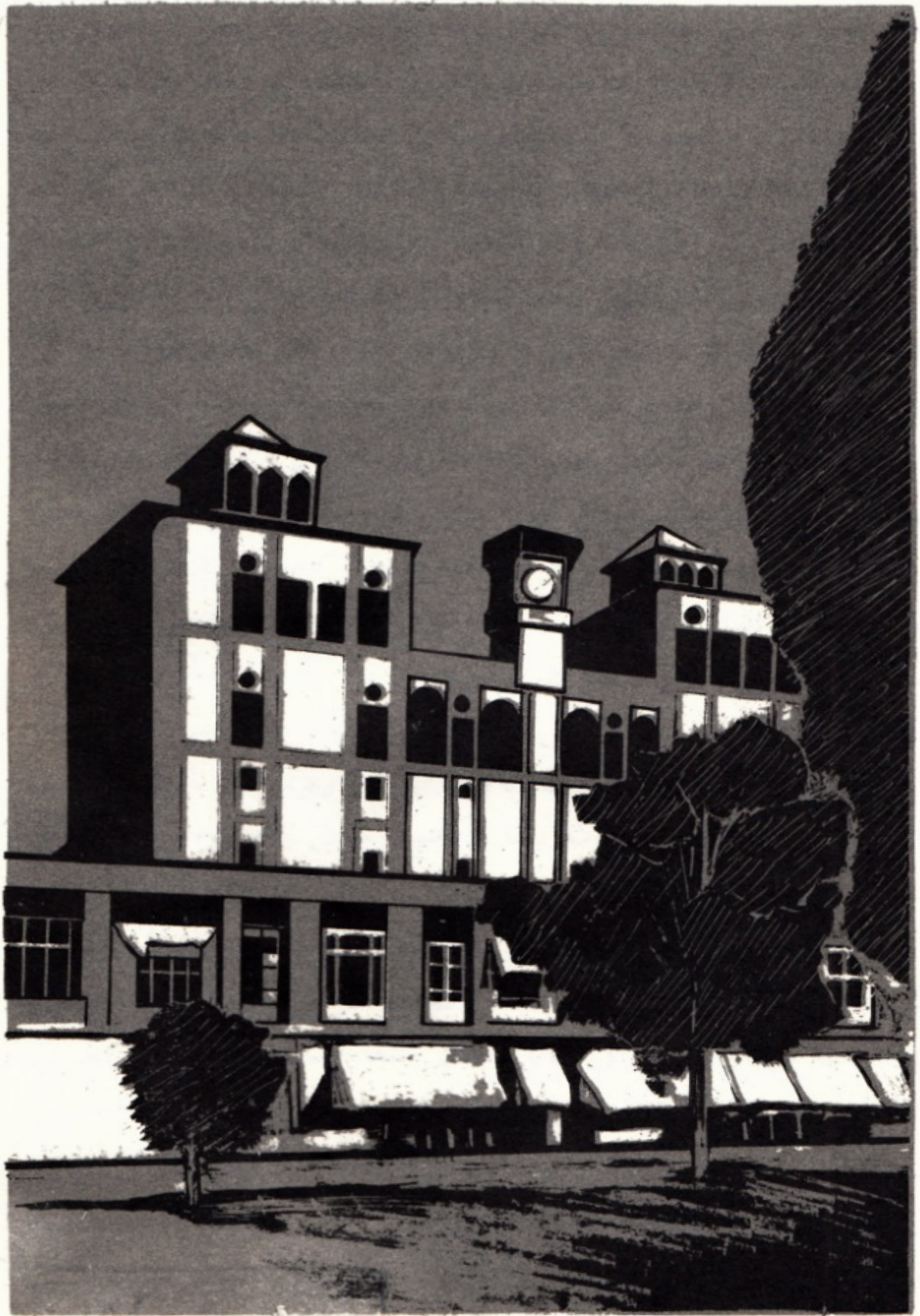
دستان . - در کتابها نوشته اند که پس از توسعه، مساحت شهر تهران ۱۹ کیلومتر مربع بوده است . حد شمالی آن میدان سپه حد شرقی آن خیابان ری حد غربی آن خیابان شاهپور بوده و حد جنوبی آن تغییر نکرد .

این میدان سپه امروز در آن زمانی که آخرین قسمت شمالی شهر بوده شش دروازه داشت یکی در دهانه خیابان امیرکبیر امروز یکی در دهانه لاله زار یکی در دهانه خیابان فردوسی یکی در دهانه خیابان سپه یکی در دهانه خیابان باب همایون و یکی در دهانه خیابان ناصر خسرو . در ضلع شرقی این میدان در همان جایی که حالا بانک بازرگانی هست ساختمان دو طبقه بانک شاهنشاهی ایران بود که امتیاز آن را بانگلیسیها داده بودند و حق انحصاری چاپ اسکناس را هم داشت . در شمال آن پست خانه تهران بود . قسمت های دیگر میدان عبارت بود از انبارهای بزرگی که در هر يك از آنها يك توپ گذاشته بودند و در طبقه بالا اطاقهای کوچکی برای سربازان بود به همین جهت به

این میدان، «میدان توپخانه» می گفتند. در قسمت غربی که بعدها اداره نظمیه یعنی شهربانی را به آنجا بردند در کف خیابان يك توپ گذاشته بودند و در ماه رمضان در موقع افطار و سحری آن توپ را در می کردند که مردم تهران وقت را بشناسند. هر سال در عید قربان در این میدان شتر قربانی می کردند، یعنی شتری رازینت می کرده و روی آن طاقه شال کشمیری می کشیدند و یکی از شاهزادگان قاجار که باو بشوخی «شاه شتر قربانی» می گفتند به نمایندگی پادشاه قاجار با لباس رسمی سوار بر اسب دنبال آن حرکت می کرد و کدخدای هر صنف از فروشندگان هم سوار بر قاطرهای زینت کرده دنبال او رهسپار می شدند و پیشاپیش این دسته نقاره چیان که سواره بودند، نقاره می زدند و چون به میدان می رسیدند شتر را می خوابانند و «شاه شتر قربانی» پیاده می شد و نیزه ای به گلوی شتر می زد و فوراً سر شتر را می بریدند و پوست می کردند و گوشت و اعضای بدن او را به تناسب به رئیس هر صنفی می دادند مثلاً سر آن را به رئیس کله پزان و پاها را به رئیس نعلبندان و شکم او را به رئیس سیرابی پزان و غیره و این یکی از مناظر تماشائی آن روزهای تهران بود. چند سالی هر روز يك دسته از نظامیان در کنار ساختمان شهرداری آهنگهای مختلف می نواختند و مردم می آمدند و تفریح می کردند. به همین جهت در خیابان باب همایون قهوه خانه های متعدد در دو طرف بود که مخصوصاً در فصل گرما، بستنی و پالوده آنها خریدار بسیار داشت. در وسط میدان در اطراف باغچه ای که هنوز هست طارمی عجیبی ساخته بودند و آن عبارت بود از تفنگهای تهر که در انبارهای دولتی مانده بود و دیگر مصرفی نداشت، آنها را به جای چوبهای خراطی کرده و بریده در طارمی ها جا داده بودند.

ناهید. - آقای دستان ممکنست بفرمائید وقتی که تهران

بزرگ شد چه حالی پیدا کرد؟



شمس العماره



دستان . - بله خانم ، تا مدت‌های مدید قسمتی از زمین‌هایی که داخل محوطه شهر بود آباد نشده بود مثلاً در شمال شهر از چهارراه مخبرالدوله به بالا تنها جابجا خانه‌هایی ساخته بودند. چنانکه در خیابان شاه‌آباد مخصوصاً شبهای زمستان شغالها به خانه های مردم حمله می‌بردند و به همین جهت به محله شاه‌آباد «شغال آباد» می‌گفتند. شیشه‌گرخانه ، زنبوركخانه ، جباخانه ، قورخانه ، باستیون و همه سربازخانه‌ها در داخل شهر بود . تمام این قسمت‌هایی که اکنون بانك سپه و پست مرکزی و شهربانی و وزارت امور خارجه و موزه ایران باستان و ساختمان قدیم شرکت نفت در آنجا واقع شده میدان مشق بود که سپاهیان در آنجا عملیات نظامی را فرامی‌گرفتند. در ضلع شمالی آن ساختمانهای قزاق خانه بود . در ضلع شرقی این میدان طویله و کالسکه‌خانه سلطنتی را ساخته بودند. نخستین مهمانخانه‌های اروپائی که در تهران دایر شد در ضلع شرقی خیابان فردوسی روبروی همین محوطه بود . از جمله هتل دوپاری بود که راننده فرانسوی مظفرالدین‌شاه آن را اداره می‌کرد، دیگر هتل دوفرانس بود که يك بلژیکی آن را ترتیب داده بود. بالاتر از آن روبروی بانك مرکزی نخستین سینمای تهران را که يك عكاس روسی بنام روسی‌خان دایر کرده بود قرار داشت .

بالاتر در زاویه خیابان استانبول در همان محل کنونی سفارت ترکیه سفارت کبرای عثمانی بود و در بزرگ آن در خیابان همیشه بسته بود و بالای آن روی کاشی اشعار مضحکی بود که فخری بيك سفیر عثمانی ساخته بود و تاریخ ساختمان آن را می‌رساند بدین گونه :

سال هجرت هزار و سیصد بود کین بنا را به عون سبحانی  
ز امر سلطان حمید خان دوم ساخت فخری سفیر عثمانی

پدر . - درباره سفارت خانه‌های دیگر چه اطلاعی هست ؟  
 دستان . - در ۱۳۷۲ سال پیش سفارت روسیه تزاری در خیابان  
 باب‌همایون در شمال مدرسه مادر شاه بود. نخستین سفارت انگلستان در  
 انتهای بازار عباس آباد بود و به همین جهت هنوز آن محله را باغ  
 ایلچی می‌گویند زیرا که در آغاز دوره قاجارها کلمه ایلچی را برای  
 نمایندگان خارجی بکار می‌بردند . محل کنونی سفارت انگلیس در  
 ۹۶ سال پیش فراهم شده است . سفارت روسیه تزاری نخست در اول  
 پامنار در همان جا که اکنون محل نمایندگی تجارتی شورویست بوده  
 که در ۸۶ سال پیش آن را ساخته بودند و سپس در ۵۱ سال پیش به محل  
 کنونی که پارك اتاييك بود و ميرزا علي اصغر خان اتاييك صدراعظم  
 مظفرالدین شاه آباد کرده بود منتقل شد . سفارت خانه‌های دیگر مانند  
 سفارت فرانسه و سفارت آلمان و سفارت بلژیک تدریجاً پس از این  
 فراهم شده است .

ناهید . - این که اشاره به اشعار مضحك سر در سفارت عثمانی  
 فرمودید به یادم آورد که شنیده‌ام از این گونه اشعار مضحك در جاهای  
 دیگر هم بوده است . نمی‌دانم تا چه اندازه حقیقت دارد .

دستان . - بله درست است . مثلاً در جائی که اکنون دبیرستان  
 رضاشاه کبیر و تالار فرهنگ هست سابقاً باغ بزرگی بود متعلق به پرنس  
 میرزا رضاخان ارفع الدوله وزیر مختار ایران در روسیه و سفیر کبیر  
 در ترکیه و بالای در آن این اشعار خوانده می‌شد :

|                       |                         |
|-----------------------|-------------------------|
| ارفع الدوله بزرگ نهاد | کرد باغی به ملک ری آباد |
| یکی از بندگان مخلص او | نام آن پارك ارفعیه نهاد |

در شمال این پارک دو خانه برای دو پسر خود ساخته و این  
قطعه را برای آنها سروده بود :

پرنس ارفع دانش سفیر پاك نهاد

دو خانه ساخت بيك شكل در حوالی ری

بداده ريك از آن را به يك تن از فرزندان

طریق عدل و مساوات شد بدین سان طی

در یکی از حمامهای عمومی تهران این اشعار را بالای سر

استاد حمامی با خط درشت نوشته بودند که بعد در حمامهای شهرهای  
دیگر هم تقلید کردند :

هر که دارد امانتی موجود      بسپارد به من بوقت ورود

نسپارد اگر شود مفقود      بنده مسئول آن نخواهم بود

پدر . - آقای دستان یادم هست که يك روز چیزی هم درباره

ایستگاه راه آهن شاه عبدالعظیم فرمودید .

دستان . - بله در ۷۸ سال پیش به يك شرکت مشترك روسی

و بلژیکی امتیاز ساختمان راه آهن از تهران به شاه عبدالعظیم را دادند

که مردم بآن «ماشین دودی» و «واگون دودی» می گفتند . پنج سال

بعد این ماشینهای دودی بکار افتاد . يك ایستگاه در تهران نزدیک

دروازه شاه عبدالعظیم و يك ایستگاه در شاه عبدالعظیم ساختند . این

راه آهن دو درجه داشت . قیمت بلیط درجه اول يك قران و بلیط

درجه دوم پانزده شاهی بود . مسافری درجه اول می توانستند تا بلیط

خریدند وارد محوطه ایستگاه بشوند . اما مسافران درجه دوم برای

آنکه ازدحام نکنند و غوغائی برنخیزد می بایست پشت در آهنی در

اطاق انتظار بمانند تا قطار برای حرکت آماده بشود و مسافران

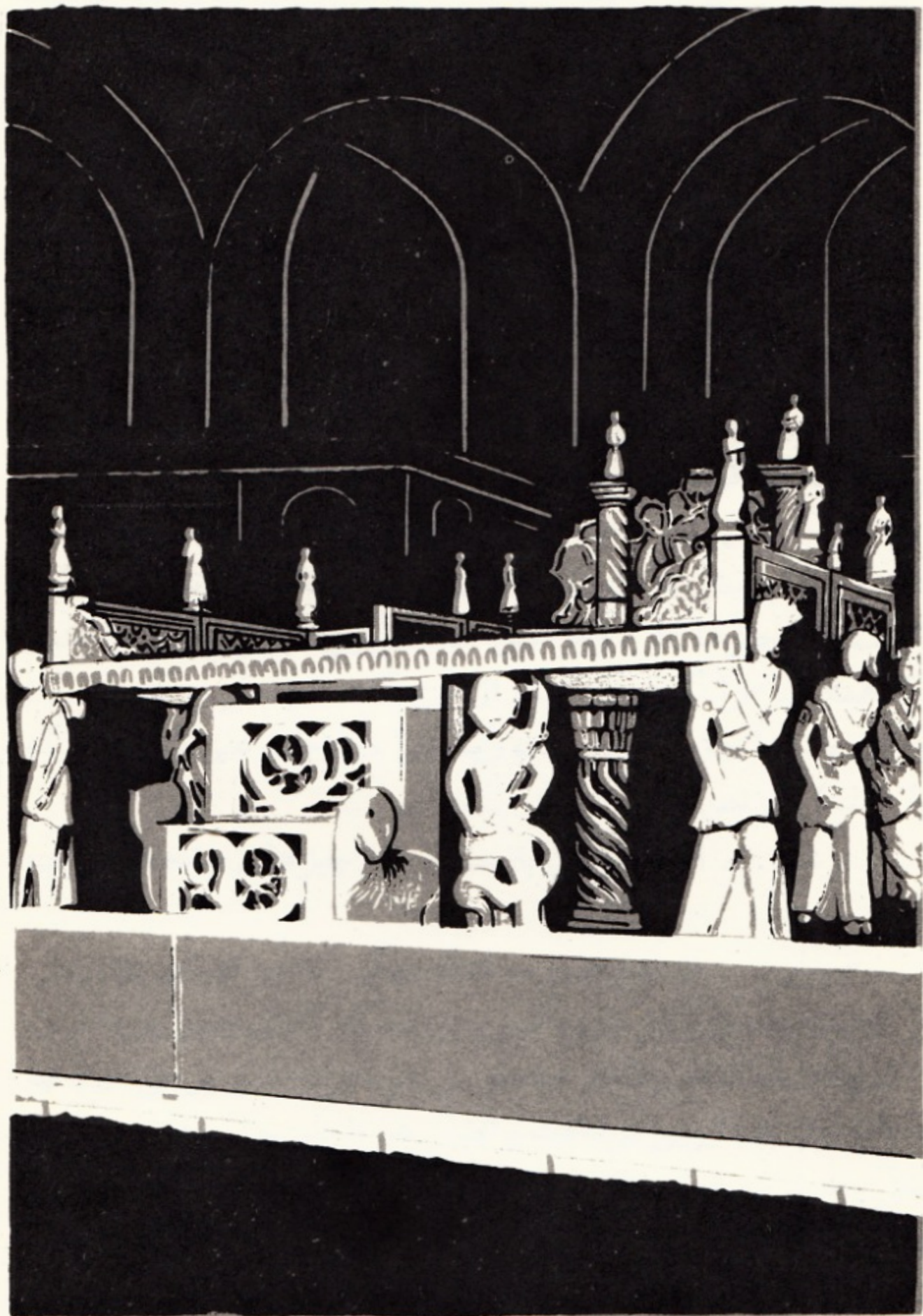
درجه اول سوار شوند، آن وقت در آهنی اطاق انتظار زنانه و سپس

در اتاق انتظار مردانه را باز می کردند و مردها مخصوصاً هجوم

می آوردند و از سرو کول يك ديگر می گذشتند و سوار می شدند . در اتاق انتظار مردانه يك اعلان بسیار مضحکی به خط درشت که پیدا بود نویسنده آن ایرانی و فارسی زبان نبوده و ترجمه را هم او کرده است دیده می شد . کارخانه شکلا سازی معروف سوئیس به نام گالاپتر در همه مراکز مهم اروپا اعلانیهای به خط درشت برای تبلیغ شکلاي خود نصب کرده بود . به این عنوان : « گالاپتر اولین شیر شکلاي جهان » . این مطلب را در اعلانی که اشاره کردم به خط درشت مانند خط بچه ها چنین نوشته بودند : « قالاپتر شوقولاد لبنی از همه در جهان مکمل و بهتر » .

ناهید . - حالا که به اینجا رسیدیم ممکنست چیزهای مضحك دیگری که به یادتان هست از تهران و مردم آن بفرمائید ؟

دستان . - خانم جان می دانید تهران هم مثل همه پایتخت های جهان محل اجتماع مردم مختلف و گوناگون از همه نواحی کشور است و هر گروهی ارمغانی به این شهر آورده است . اول چیزی که جلب توجه هر تازه واردی را می کند داد و فریادهای فروشندگان دوره گردست که حتی در طلوع آفتاب و پس از نیمه شب مخصوصاً در جاهائی که دیوارهای خانه ها کوتاهست آسایش مردم را به هم می زنند و به بانگ بلند و آواز ناخوشایند کالای خود را اعلان می کنند و انواع و اقسام لقب به آنها می دهند . اگر کسی القابی را که به این کالاهای می دهند جمع بکند خیلی شیرین خواهد شد . مثلاً : « گل سرسبد دارم خیار » « صبح چیده دارم خیار » . برای توت : « رطب دارم خرما ، رطب آوردم نقل تر آوردم » . « صفرا برست شاه توت » . « بی بلا گرمك تنگ طلا گرمك » . « یکی يك بره کاهو ، یکی يك من است کاهو » . « قند تره آلو » . « شاه میوه است گلابی » . « باغت آباد شه سیب گلابی » . « گل سرخ است هندوانه » . « پولداران کباب ، بی پولان دود کباب » . « عصای





پیراست بلال، رستم دستانست بلال». «کره دارم پنیر». برای گردو : «نقل شمیران». لبوهم صبحانه است هم ظهرانه و هم عصرانه. «شکر پاره است زردآلو». داستان شیرینی هم در این زمینه هست و آن اینست که سابقاً سقا‌های دوره گرد بودند که مشك آب بردوش و يك پیاله بدست داشتند و آب می فروختند مخصوصاً در فصل گرما هر کس تشنه بود، يك پول مختصری داده يك پیاله آب می نوشید. این سقاها عادت داشتند فریاد می کردند «سلام الله علی الحسین». روزی مردی که از لرستان آمده بود، در یکی از کوچه‌های تهران یکی از این سقا‌های آب فروش برخورد و چون دید مردم همه پول می دهند و يك پیاله می نوشند تصور کرد چیز مخصوصی است. وقتی که به شهر خود برگشت مردم شهر که به تهران نیامده بودند و تجربه‌ای هم نداشتند جمع شده بودند و از او پرسش می کردند و او هم شرح می داد که تهران چگونه است و چه چیزها دارد و هر کس آنجا می رود چه باید بکند. بعد از آنکه همه چیز را گفت نتوانست از این گفته خودداری کند که : «یادتان باشد آنجا همه چیز بخورید جز «سلام الله علی الحسین» که مرء (آب) هم نمی دهد.

فرشته. - آقای دستان باز هم از این چیزهای مضحك تعریف کنید.

دستان. - از چیزهای مضحك دیگر که در تهران بود یکی این که يك عده درویش دوره گرد بودند که کاری جز پرسه زدن در کوچه‌ها نداشتند و اشعار مخصوصی می خواندند و برخی از آنها يك دانه نقل به عابرین می دادند و ایشان هم ناچار پولی به او می دادند. برخی يك شاخه نعناع یا سبزی خوش بوی دیگری می دادند. اغلب آنها پوست گوسفند یا حیوان دیگری را روی دوش می انداختند و کشکولی در يك دست و «من تشا» که يك قسم تبرزین مخصوص بود

یا عصای گره‌دار از چوب از گیل یا چوبهای پر گره دیگر را در دست دیگرشان می‌گرفتند و برخی يك بوق بابت به‌دوش خود می‌آویختند. دوسه روز قبل از عید نوروز يك چادر قلندری برمی‌داشتند و به در خانه کسی که احتمال می‌دادند تسلیم بشود می‌رفتند و در کوی و برزن بر در خانه او چادر می‌زدند و تا پولی از او نمی‌گرفتند نمی‌رفتند. دیگر از عجایب این بود که هم در تهران و هم در شهرهای دیگر کسانی که تقصیری یا جنایتی کرده بودند و ممکن بود کیفر ببینند می‌رفتند به‌جائی که احترامی داشت مثلاً: در مسجدی یا امامزاده‌ای یا زیارتگاهی یا در خانه پادشاه و حکمران و مجتهد و حتی به‌سر طویلهٔ ایشان پناه می‌بردند و به اصطلاح «بست» می‌نشستند تا مأموران دولت از دنبال کردن ایشان چشم‌پوشند.

بهرام. - آقای دستان نفرمودید در آن موقع گردشگاه و تفریح مردم تهران کجا بود و چه بود؟

دستان - والله در حقیقت گردش و تفریحی در میان نبود. تنها تفریح مردم شب چهارشنبه سوری و ایام نوروز و سیزده بدر و شبهای رمضان بود. مخصوصاً معمول بود اعیان به بهانهٔ اینکه روزه می‌گیرند و شب باید بیدار باشند و روز بخوابند هر شب تا صبح قمار بازی می‌کردند. گردشگاه مردم طبقهٔ سوم شبهای جمعه در زیارتگاهها و قبرستانها بود و در بعضی از آنها از جمله در «سرقبر آقا» پهلوان کچل و خیمه شب‌بازی و حقه‌بازی و معرکه‌گیری درویشها را تماشا می‌کردند. در تهران سر چهارراه حسن‌آباد قبرستان بسیار بزرگی بود که بیشتر مردم به آنجا می‌رفتند و يك قبرستان در سر راه شاه عبدالعظیم بود که به آن آب انبار قاسم‌خان و جوان‌آباد می‌گفتند و البته زیارتگاههای دیگر اطراف شهر هم تا شاه عبدالعظیم گردشگاه مردم بود. چند قهوه‌خانه معروف بود که عصرها مردم در آنجا گرد

می آمدند و با هم ملاقات می کردند . یکی قهوه خانه قنبر در زیر شمس العماره بود و دیگر قهوه خانه زرگر آباد در اواسط خیابان امیرکبیر امروز که جلوه خاصی داشت ، زیرا حیاط بسیار بزرگی داشت و در میان آن حوضی بود که روی آن تخت بسته بودند و روی آن تخت دسته های مطرب مردم را سرگرم می کردند . در اواخر يك دسته بازیگر بسیار زبردست معروف به «دسته نوید» در روی آن تخت تأثر می دادند و مردم به آن «تیار» می گفتند . یکی از گردشگاه های مردم ، چشمه علی در سر راه شاه عبدالعظیم بود که چشمه آب زلال گوارائی دارد و مواد شیمیائی مخصوص آن قالی را پس از شستن پاکیزه و براق می کند . از گردشگاه های مشرق تهران دولاب و در جنوب شهر نازی آباد نیز رونق داشت . سگ های نازی آباد بواسطه آنکه کشتارگاه تهران در آنجا بود معروف بودند و این مثل به سرزبانها بود که درباره هر کسی که خودی و پیگانه نمی شناخت او را به «سگ نازی آباد» تشبیه می کردند . البته در تابستان همیشه گردشگاه کسانی که بیشتر وسیله داشتند شمیران بود ، اما چون وسایل ثقلیه سریع السیر وجود نداشت بیشتر مردم به قلعه و زرگنده می رفتند و رفتن به تجریش یا دربند و دز آشوب و دروس و رستم آباد و نیاوران و گردشگاه های دیگر به همه کس نمی رسید ، چنانکه بسیار کسان بودند که از قلعه بالاتر نرفته بودند . هنگامی که هنوز اتومبیل عمومیت پیدا نکرده بود یگانه وسیله رفتن به شمیران درشکه کرایه ای بود و راه به اندازه ای بود که درشکه ها در راه می ماندند و چون بیشتر درشکه ها چرخشان آهنی بود و چرخ لاستیکی کمتر معمول بود اسب های درشکه در سربالائی «قصر قاجار» می ماندند و بیشتر کسانی که به گردش می رفتند بالاتر از آن نمی رفتند و در حوالی قصر قاجار قهوه خانه ای بود که آنجا پیاده می شدند و چای می خوردند و راحت

می کردند و به شهر بازمی گشتند. هنگامی که درشکه بزرگتر یا مسافر آن بیشتر بود مجبور بودند در سربالائی قصر به جای دو اسب چهار اسب ببندند و هنگام بازگشت در سرازیری اسبها نمی توانستند درشکه را بکشند و آن را برمی گرداندند و بسا که مسافران در این سرازیری کشته می شدند. یگانه وسیله نقلیه عمومی در شهر تراموای بود که به آن واگون اسبی می گفتند. واگون خانه در اول خیابان اکباتان پس از دهانه خیابان سعدی بود و از آنجا چهار خط بود که رایل روی زمین گذاشته بودند و تراموای که دو اسب آن را می کشید در این خطها حرکت می کرد. مبدأ این خطها میدان سپه بود و به این ترتیب يك خط به دروازه شاه عبدالعظیم و ایستگاه راه آهن می رفت. يك خط به انتهای خیابان شاپور و يك خط به دهانه بازار و خط دیگر به چهار راه مخبرالدوله می رفت و در اواخر خط پنجمی هم از میدان سپه به دروازه باغشاه می رفت.

فرشته. - آقای دستان فرمودید پیش از تولد ما وضع تهران چه بود و چه چیزهای تازه در آن اتفاق افتاده بود. دستان. - در ۸۸ سال پیش در کتابهای اروپائی نوشته اند که تهران در زمستان دویست هزار و در تابستان ۸۰ هزار جمعیت دارد. از این قرار ۱۲۰ هزار تن در تابستان از شهر بیرون می رفتند. اما این به نظر مبالغه می آید.

در ۶۶ سال پیش نوشته اند که تهران ۲۵۰ هزار نفر جمعیت داشته و در ۶۷۰ ده اطراف شهر ۳۵۰ هزار نفر زندگی می کرده اند. در ۴۵ سال پیش جمعیت شهر را ۳۸۰ هزار و جمعیت اطراف شهر را ۷۰۰ یا ۸۰۰ هزار نوشته اند.

در زمانهای گذشته معمول بود که به هر شهر عنوان خاصی می دادند. شهرهائی را که پایتخت شده بود، دارالسلطنه می گفتند مانند:



سر در باغ ملی (میدان مشق قدیم) نقاره خانه



دارالسلطنه تبریز و دارالسلطنه قزوین و دارالسلطنه اصفهان و دارالسلطنه شیراز . شهرهای کرمان و قم را دارالامان ، کرمانشاه را دارالدوله ، شهرهای مازندران و گیلان را دارالمرز و یزد را دارالایمان می گفتند . از زمان ناصرالدین شاه به تهران دارالخلافت ناصری گفته اند . چیزی که در تهران جلب توجه مسافران را کرده کثرت مسجد و مدرسه و حمام بوده است . حمامها از ظهر تا طلوع آفتاب مردانه بود و از آن پس تا ظهر زنانه می شد و معمول بود که يك لنگ سرخ بالای در حمام گره می زدند که مردم بدانند حمام زنانه است و مثل شده بود و جای پرهیاهو و پر سروصدارا «حمام زنانه» می گفتند . صبح پیش از طلوع آفتاب در روی بام حمام بوغ می زدند که مردم بدانند حمام باز شده است . در حمامها مخزن آب سردی هم بود که مردان در آن شنا می کردند و آن را چال حوض می نامیدند . مخزن آب گرم را خزانه می گفتند . چال حوض بازی و زورخانه بازی یگانه وسیله ورزش مردان بود .

پیش از اختراع برق ، برای روشنائی در اروپا از زغال سنگ گاز می گرفتند و آن را در شب روشن می کردند ، در تهران هم در ۹۱ سال پیش حاج میرزا حسین خان سپهسالار صدراعظم ناصرالدین شاه در خیابان امیرکبیر امروز يك کارخانه چراغ گاز دایر کرد و به همین جهت به آن خیابان که تازه پس از توسعه شهر ساخته بودند خیابان چراغ گاز گفتند . سپس در ۶۱ سال بعد در همان محل نخستین کارخانه چراغ برق دایر شد . اما کوی و برزن شهر بیشتر شبها تاریک بود و مردم ناچار بودند شب که از خانه بیرون می رفتند فانوس و یا شمع با خود بردارند که در راه آسیبی نبینند . بواسطه ناامنی ، بارها رفت و آمد مردم را در شب منع می کردند و مأموران شهربانی کسانی را که مجاز نبودند گرفتار می کردند و برای کسانی که وسیله داشتند هر-

شب يك كلمه محرمانه بود كه به ايشان ياد مي دادند و به آن «اسم شب» مي گفتند و هر كس كه آن كلمه را در گوش مأمور شهرباني مي گفت اجازه رفت و آمد داشت . چيزي كه در آن شبها جالب بود فانوس هاي بزرگي بود كه به آن قدمي مي گفتند ، زيرا كه به اندازه قدم يك انسان بود و پيراهن سفيدي داشت كه چرب كرده بودند و چين هاي فراوان داشت و روشنائي شمع را بيرون مي داد .

ناهيده . - آقاي دستان آيا ساختمانهاي آن روز تهران اختصاصي

هم داشت ؟

دستان . - البته خانم ، معمولاً خانه ها چه بزرگ و چه كوچك روزني بسوي كوي و برزن نداشت و از چهار طرف ديوار خشت و گلي و گاهي سفيد كرده داشت و تنها در ورودي خانه در ميان آن ديده مي شد و تقريباً همه خانه ها يك طبقه بود و كساني كه استطاعت داشتند يك حياط بيروني داشتند مخصوص مردان و يك حياط اندروني مخصوص زنان يا حرم . بعضي حمام سرخانه و طويله و درشكه خانه داشتند و در خانه هاي اعياني حياط هاي متعدد در بيروني و اندروني بود كه آبدارخانه و آشپزخانه و غيره هر يك حياط مخصوص داشت . يكي از امتيازات شهرهاي ايران بادگيرهاي بلندي بود كه روي بامها ساخته بودند و براي هواخوري زيرزمين ها و حوض خانه هائي بود كه در تابستانها به آنجا پناه مي بردند . در بعضي خانه ها گلخانه و نارنجستان بود كه گلدانهاي مركبات را در زمستان به آنجا مي بردند . خطري كه چندين بار متوجه تهران شد اين بود كه در ميان شهر و شميران زمين باير بسيار بود و شهر سيل بر گردان نداشت و چند بار كه بارانهاي سخت آمد سيل قسمت عمده از محلات شمال تهران را گرفت و خانه هاي بسياري را ويران كرد و حتي گاهي سيل به ميدان سپه و خيابان ناصر خسرو هم مي رسيد .



یکی از سقا‌های دوره گرد تهران قدیم

بهرام . - آیا وسایل بهداشتی هم در آن زمان وجود داشت ؟  
 دستان . - متأسفانه بسیار کم بود . نخستین بیمارستان مطابق  
 معمول اروپا را حاج میرزا حسین خان سپهسالار صدر اعظم ناصرالدین  
 شاه در ۹۸ سال پیش در سالی که قحطی سختی در تهران روی داده  
 بود در محل همان بیمارستان سینای امروز دایر کرد که به آن مدت‌ها  
 مریم‌خانه دولتی می‌گفتند و نخستین رئیس آن بیمارستان مرحوم  
 دکتر ناظم‌الاطباء نفیسی بود . وزارت بهداشتی وجود نداشت و در اواخر  
 دوره قاجارها که خواستند کاری بکنند یک مجلس حفظ‌الصحة تشکیل  
 دادند که پزشکان ایرانی و اروپائی در آن عضویت داشتند، البته برخی  
 سفارت‌خانه‌های خارجی در ایران برای احتیاجات خود پزشک مخصوص  
 داشتند که عضو سفارت بود . هر چند یک بار وبا و طاعون و بیماری‌های  
 واگیردار دیگر از هندوستان به ایران می‌آمد و کشتار می‌کرد و  
 آخرین وبائی که به تهران آمد در ۶۴ سال پیش بود . آبهای شهر هم  
 اغلب آلوده بود و به همین جهت بیماری‌های واگیردار دیگر در میان  
 مردم شیوع می‌کرد . بهترین آب خوراکی تهران از قنات «شاه» بود  
 که محله ارگ را مشروب می‌کرد و قنات سفارت انگلیس که محلات شمالی  
 را مشروب می‌نمود و قنات سپهسالار در شمال شرقی و قنات نظامیه در  
 اطراف بهارستان و قنات جامع علی‌رضا در محله سرچشمه و قنات  
 فرمانفرما ، قسمت غربی شهر را مشروب می‌کرد .

ناهید . - آقای دستان تمنی دارم شرحی هم درباره مدارس  
 جدید تهران بفرمائید ببینم از کی دایر شده است .

دستان . - نخستین مدرسه جدید همان مدرسه دارالفنون بود  
 که در سال ۱۲۶۸ هجری قمری<sup>۱</sup> میرزا تقی خان امیر کبیر اولین صدر اعظم  
 ناصرالدین شاه به تأسیس آن اقدام کرد ، ولی چون در آن زمان

۱- تقریباً ۱۲۶ سال پیش .

امیر کبیر در فین کاشان به حال تبعید می زیست مدرسه مذکور با حضور ناصرالدین شاه و میرزا آقاخان نوری صدراعظم و عده ای از فضلا و دانشمندان ایرانی و اروپائی افتتاح شد. مدتها این مدرسه یگانه آموزشگاه به روش جدید در تهران بود تا آنکه فرانسویان و امریکائیان مدارس برای نوآموزانی که مسلمان نبودند دایر کردند و سپس در ۹۰ سال پیش انجمنی از دانش دوستان در تهران تشکیل شد و اعضای انجمن هر يك تأسيس يك مدرسه را به عهده گرفتند و بدینگونه مدارس علمیه، شرف، ثروت، ادب و اقدسیه، کمالیه و سادات در محلات مختلف تشکیل شد. برخی از این دبستانها تنها سه کلاس ابتدائی و برخی شش کلاس ابتدائی داشتند و تنها دبیرستان علمیه تا کلاس سوم متوسطه را داشت و کسانی که وارد رشته های علمی دارالفنون مانند پزشکی و مهندسی و معدن شناسی و فنون نظامی و غیره می شدند از سال چهارم شروع می کردند و مدرسه علوم سیاسی هم که تشکیل شد همین حال را داشت. پس از چندی يك مدرسه روسی و يك مدرسه آلمانی در تهران دایر شد و اندك اندك دانش آموزان مسلمان هم به مدارس اروپائی رفتند. نخستین مدرسه دخترانه را نیز زنان تارك دنیای فرانسوی برای دختران عیسوی تأسیس کردند و سپس دبیرستان دخترانه امریکائی تأسیس شد و نخستین مدارس دخترانه ایرانی در پنجاه سال پیش بکار آغاز کردند. حاج میرزا حسین خان سپهسالار هم در زمان صدارت خود يك مدرسه نظام تأسیس کرد و در زمان مظفرالدین شاه يك مدرسه فلاحه تأسیس کردند که مدیر آن فرانسوی بود و پس از چندی تعطیل شد.

در این هنگام آقای دستان نگاهی به ساعتش انداخت و با تعجب

گفت: «هیچ می دانید ساعت چند است؟»





نگاره ترجمه و نشر کتاب

بها : ۱۲ تومان